

سخنان رئیس جمهور و

## تلاش ما برای استقرار صلح عادلانه در کردستان

آنچه که در هفته گذشته جناحها و جریان های مختلف درون حاکمیت در باره بحران کردستان بر زبان راندند، مدو نحوه برخورد و تلقی نسبت به مسئله کردستان را آشکار کرد.

۲ صفحه

### اعدام پرسنل انقلابی ارتش به جرم این اعتقاد است:

باید بدانند ماشه را به خاطر چه  
و به سوی چه کسانی می چکانند!

از آغاز جنگ خونین اخیر به هیچ قیمت دست خود را به در کردستان، ارتش دچار خون زحمتکشان میهنشان تب و تاب و جوش کم بیالیند، پادگان ها را به سابقه ای است سربازان، عرصه فعالیت ترقیخواهان و درجه داران و افسران جز آفاگران خود بدل انقلابی که حاضر نیستند بقیه در صفحه ۱۶

## برای مقابله با امپریالیسم آمریکا اتحاد همه زحمتکشان یک ضرورت تاریخی است

امروز میهن ما یکی از پراهمیت ترین سنگهای مبارزه علیه امپریالیسم جهانی است. مبارزه شورانگیز مردم ما تاکنون به پیروزی های چشمگیری دست یافته است. این مبارزه اینک از مرزهای ایران گذشته و در ابعادی جهانی توجیه صدها میلیون زحمتکش در بند جهان سرمایه داری و توجه همه نیروهای مترقی جهان را به خود جلب کرده است. این مبارزه امروز تاروپود امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را به لرزه در آورده است. پیروزی یا شکست مبارزات مردم ما تاثیری عظیم بر مبارزه پرولتاریای جهانی، خلق های زیر سلطه جهان و کشورهای سوسیالیستی علیه امپریالیسم جهانی و دولت های دست نشانده آن دارد و هم از این رو است که زحمتکشان جهان، احزاب و سازمان های ترقیخواه جهان اردوگاه سوسیالیستی از جنبش ضد امپریالیستی - دموکراتیک مردم ما بی دریغ و قاطعانه حمایت می کنند و عمیقاً نگران سرنوشت آن هستند و باز از همین رو است که همه دولت های امپریالیستی و رژیم های ارتجاعی و دست نشانده جهان در پشت سر امپریالیسم آمریکا و علیه مردم ما صف آرای کرده اند.

وقتی به اهمیت این مبارزه سرنوشت ساز، به پیوند عمیق آن با مبارزه پرولتاریای جهانی و نیروهای ترقیخواه علیه سرمایه داری جهانی و به تاثیری که هرگام از پیروزی و یا شکست آن بر سرنوشت صدها میلیون زحمتکش ایران و جهان دارد بیاندیشیم، بیش از پیش به اهمیت سیاست های درست و حرکات و موضعگیری های اصولی نیروهای ترقیخواه میهنان بی می بریم و بیش از پیش درمی یابیم که هراشتباه نیروهای ترقیخواه سیاسی که بر پیکر این جنبش خراش وارد می کند، چه ابعاد خیانت آمیزی به خود می گیرد و بر عکس هر تلاشی که این جنبش را گامی به جلو راند و این سنگ مبارزه را متحد و استوارتر سازد چه خدمتی عظیم در راه آرمان پرولتاریای ایران و جهان و خلق های ستمدیده ایران و جهان به حساب می آید. وقتی عمیقاً به این واقعیت ها توجه می کنیم سنگینی، حساسیت و عظمت مسئولیتی که تاریخ بر دوش فرد فرد عناصر آگاه و مبارز جنبش کمونیستی ایران گذاشته است، بقیه در صفحه ۲

## نودمین سالگرد تولد رفیق هوشی مین گرامی باد!



مرگ برتر از بردگی است  
در سراسر وطنم  
بار دیگر پرچم های سرخ در اهتزازند  
و درست در این لحظه  
باید در درون زندان به سر برم  
گی از زندان رها خواهم شد  
تا نقش خود را در جنگ برعهده گیرم  
از یادداشت های زندان -  
رفیق هوشی مین

نودمین زادروز رفیق هوشی مین رهبر کبیر خلق ویتنام، انترناسیونالیست و میهن پرست انقلابی گرامی باد. یاد رفیق هو و مبارزاتش همواره الهام بخش مبارزات طبقه کارگر و خلق های سراسر جهان خواهد بود.

## در این شماره:

یادداشتی از سرپوروز به کردستان  
• مردم کرمان مرکز بودند، خبر تاراکین "۱۳۵۹" پای همه حاکم کرد  
به جنگ ایروان به آسانی دست از سرخاکی نرود و نخواهد داشت.  
اینکه شوراهای واقعی کارگری برار خواهد حاکم است  
کارگران باید با افزایش تولید و بهره وری کار، مانع تبلیغات نفاق افکنانه دشمنان خود شوند  
گرانی از ارتش:  
مشکل گرانی و زندگی طاقت فرسای مردم

چه کسانی  
به جای صلح، جنگ را دامن می زنند؟  
یازدهمین اجلاس  
"اتحادیه سراسری روسانی ترکمن صحرا"  
باموقفیت به کار خود پایان داد  
گرایشات آنارشویستی  
و سندیکالیستی: بیسگان

## نقش اوپک در مبارزه علیه امپریالیسم!

بزرگترین صادر کننده نفت در کشورهای عضو اوپک است. کشورهای امپریالیستی با همکاری رژیم حاکم بر عربستان سعودی برگزار شد. با جمعیتی نزدیک به ۹ میلیون نفر بقیه در صفحه ۲

بکوشیم تا با استقرار صلح در کردستان وحدت مردم میهنمان را  
علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم

تکثیر از سازمان دانشجویی میهن

سخنان رئیس جمهور و

تلاش ما برای استقرار صلح عادلانه در کردستان

امروز بیش از پیش آشکار می شود که حل صلح آمیز مسائل کردستان تاجه اندازه برای پیشرفت مبارزه مردم ما علیه امپریالیسم آمریکا اهمیت دارد. ما همیشه " جنگ تحمیلی " را محکوم کرده و از استقرار صلح عادلانه در کردستان دفاع کرده ایم. در عین حال

همواره پادآوری کرده ایم که همه کسانی که فکر می کنند با جنگ برادرکنی در کردستان قادر خواهند بود به بحران کردستان پایان دهند، چه خواهند و چه نخواهند آب به آسباب امپریالیسم می ریزند و در وهله اول بهتری آسیب را به خود می رسانند.

این حقیقت که بحران کردستان با راه حل های نظامی نمی تواند خاتمه یابد در عین حال از آموزش های بزرگ تاریخی نیز ناشی می شود. خلق کرد امروز مشکل سازمان یافته است و بر حقوقی که سالهای متناهی برای آن مبارزه کرده است آگاهی و ایمان کامل دارد.

در طول تاریخ، خلق هایی که آگاهانه برای کسب حقوق خود به مبارزه برخیزند در تسلیحاتی نرفته پایداری کرده اند، بلکه همیشه با شکست میخیزند. مقتضای سرکوب کنندگان پیروزی خود را در تاریخ به ثبت رسانده اند. آنچه که در هفته گذشته

جناحها و جریان های مختلف، بدون حاکمیت درباره بحران کردستان بر زبان راندند دو نحوه برخورد و تلقی نسبت به مسئله کردستان را آشکار کرد. در کنار نیروهایی که آشکارا از جنگ و ادامه جنگ در کردستان سخن گفتند، رئیس جمهور، ضمن تأکیدهایی که بر اعمال حاکمیت جمهوری اسلامی و مقابله با کسانی که این حاکمیت را زیر علامت سؤال قرار داده اند کرده از امکان تحقق صلح آمیز مطالبات خلق کرد و ضرورت کوشش برای پایان دادن به جنگ کردستان سخن گفت و تأکید کرد که امکان حل صلح آمیز بحران کردستان وجود ندارد و باید از چنین امکانی بیشترین بهره گیری را کرد. رئیس جمهور با انتخاب داریوش فروهر برای مذاکرات صلح کردستان گام عملی مثبتی به جلو برداشت. این به گمان ما، این بخش از مواضع رئیس جمهور از جانب همه آن کسانی که قادرند بحران کردستان را در چارچوب مبارزه علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا مورد بررسی قرار دهند نمی تواند مورد استقبال قرار نگیرد.

بینه از صفحه ۱

دست نشانده خود را در ایران بر سر کار آورده و بدین ترتیب جنبش ضد امپریالیستی خلق های ... با خطر جدی روبرو ساخته و سرکوب کند. با این چشم انداز است که اوضاع و شرایط کنونی میسرمان را بسیار حساس می بینیم. روزهای سرنوشت ساز در پیش داریم. روزهایی که هر نیروی ترقیخواه و ضد امپریالیست و هر کسی که قلبش برای استقلال و آزادی ایران می تپد باید با احساس مسئولیت کامل و به دور از هرگونه ناشکیبایی و داوری های عجولانه به استقبال آن برود و اگر نه می تواند اشتباهاتی مرتکب شود که تاریخ از آن به عنوان خیانت یاد خواهد کرد. با این چشم انداز می بینیم که بیش از هر زمان دیگر باید همه سلاجه و قلمها به سوی امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن نشانه رود و باید کاری کنیم که چنین

امپریالیسم آمریکا و همه متحدان داخلی آن بیش از هر زمان دیگر بر آن نشانده که به هر قیمتی شده مبارزه طبقاتی مردم ما علیه امپریالیسم به مبارزه میان صفوف مردم بدل کنند و با ایجاد و دامن زدن به جنگ برادرکنی وحدت خلقها و زحمتکشان ایران را خندسار سازند. امپریالیسم جهانی می کوشد مبارزه طبقه کارگر علیه سرمایه داری و مبارزه دهقانان زحمتکش را علیه زمینداری بزرگ به مبارزه میان خلقها، مبارزه میان نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست مبدل سازد و تا آنجا که می تواند در صفوف نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست شگاف ایجاد کند. و این در حالی است که محافل جنگ افروز و سرکوبگر درون هیئت حاکمه که قاعد هرگونه تجربه سیاسی بوده و بخاطر اعمال و حرکات ضد مردمی و خشونت بار خود تاکنون میلیون ها تن را درمی راند که در جریان سرکوبی شان فعالانه در مبارزه شرکت داشتند منفعل ساخته و یا به طرفداری از جبهه لیبرالها واداشته است، هنوز به اعمال جنگ افروزانه و ضد مردمگانه خود ادامه می دهند و درست بر برابر این محافل جریانزات انحرافی به چپ جنبش کمونیستی و لیبرالها روز بروز بیشتر به اعمال آتاریستی و شعارهای سرکوبی کشانده می شوند و ناگفته پیداست که این دو پیوسته بر هم تاثیر می گذارند و هر یک زمینه و بستر حرکات مخرب دیگری را فراهم می کند و اگر وضع بدین منوال پیش رود صفوف ضد امپریالیستی تودهها چنان تضعیف می شود و تشنج و درگیری و خشونت میان مردم چنان بالایی گیرد که نتیجه اجتناب ناپذیر آن قدرت گرفتن جبهه ضد انقلاب و به قدرت رسیدن حکومت دست نشانده امپریالیسم آمریکاست.

رئیس جمهور بازمیم حاضر شد تا ملین فاجعه

با اینکه آقای رئیس جمهور در مناظره تلویزیونی به مردم قول داده بود جنبشکارانی که رهبران خلق ترکن را در زندان جمهوری اسلامی به شهادت رسانده اند معرفی و مجازات کند، اما تا کنون هیچ گامی در این جهت برداشته است.

پس از آنکه آقای رئیس جمهور در روزنامه انقلاب اسلامی چنین نوشته است: "روشن رئیس جمهوری بر تاقطت است. استوار ایستاده است تا حاکمیت دولت (یعنای بنی صدر) درهمهجا برقرار شود. هیچ چیز را از یاد نمی برد. همانطور که در برابر این گروهها می ایستد، در برابر کسانی هم که خود را هوادار جمهوری اسلامی می دانند اما خود سری می کنند، می ایستد. به این گروه نیز هشدار می دهد که هنوز از یاد نبرده است که ۳ نفر در زندان کشته شدند. این کار را به ما می کند و به مجازات می رساند." (انقلاب اسلامی - ۲۳ اردیبهشت)

ما باز دیگر تأکید می کنیم که بدون معرفی و مجازات این جنبشکاران، این فاجعه بازمیم اتفاق خواهد افتاد. آقای رئیس جمهور اگر واقعا خواستار آزادی، آسایش، امنیت و ممانعت از اعمال جنبشکاران پاندهای سپاه است، باید عاملین این جنایات را که برای رئیس جمهور کاملا شناخته شده هستند، به مردم ایران معرفی کند.

برای مقابله با امپریالیسم

عمیقاً احساس می کنیم، امروز از سوی مبارزات مردم ما علیه امپریالیسم آمریکا در ابعاد وسیع جریان دارد و خلق ما در این مبارزه دشوار از حمایت همه نیروهای ترقیخواه جهان برخوردار است و از سوی دیگر امپریالیسم آمریکا با تکلیف بر طبقه سرمایه دار ایران و به کمک آبادی خود و شبکه های جاسوسی خویش که حتی الامکان تقویت کرده است همه نیرو و تجربه خویش را برای دلسرد کردن و سرخورده ساختن زحمتکشان ما از مبارزه، جلوگیری از اتحاد عمل افشار و طبقات خلق ما، ایجاد جو بدبینی و خشونت میان مردم و ممانعت از اتحاد عمل و هماهنگی نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست و خلاصه به هدر رفتن انرژی انقلابی میلیون ها زحمتکش به پا خاسته ایران به کار گرفته است.

در این راه امپریالیسم آمریکا می کوشد با تحریم اقتصادی علیه مردم ایران به گزانی مایحتاج زحمتکشان دامن زند، دامنه بیکاری را افزایش دهد و این توهم را در بخش هایی از مردم که هنوز به افزایش کافی رسیدمان، ایجاد کند که گویا رژیم سرسپرده و بختیار می توانست شرایطی بهتر از امروز برای مردم فراهم سازد و در همین حال با تبلیغات گسترده خویش از رادیوها و مطبوعات رسمی و غیر رسمی و خویش از بلندگوهای دولتی ارتجاعی از یک طرف و تبلیغات دارمپریالیسم، از افزایش اقدامات نظامی را در ایران فراهم سازد و از طرف دیگر روحیه بازماندگان رژیم سابق، طبقه سرمایه دار ایران، زمینداران بزرگ و فرماندهان آمریکایی ارتش و هزاران ساواکی را تقویت کند و با بهره برداری از سیاست های نادرست دولت و حرکات سرکوبگرانه از ناراضی رو به افزایش مردم، زمینه را برای نیرو گرفتن و به قدرت رساندن محافل وابسته به خود هموار سازد. واقعیت این است که "آیت الله خمینی رهبری مبارزه با امپریالیسم آمریکا را همچنان در دست دارد. حکومت کونولی هر چند به خاطر ناپیدگیش از پیشبرد یک مبارزه اصولی علیه امپریالیسم، از کاهش گزانی و بیکاری و حل بسیاری از دشواریهای تودهها و مردم ترین مسائل جنبش ناتوان بوده است و نیز وجود این که این حکومت به خاطر هراسی از نیروهای انقلابی و با تعقیب سیاست های ضد دمکراتیک و خشن باعث جنگ برادر کنی به ویژه در کردستان و کنگ شده و عملاً در جهت ایجاد تفرقه میان زحمتکشان میهن ما گام برداشته است همچنانکه بارها اعلام داشته ایم حکومتی "نموده و نیست.

امپریالیسم آمریکا، که به ویژه پس از ملاقات بازرگان با برونیکی که خشم انقلابی تودهها، تسخیر مرکز جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان مسلمان بیرو خط امام" و سقوط دولت بازرگان را در پی داشت و نیز پس از تحولات ماههای اخیر و سرخشی نیروهای ترقیخواه و انقلابی، "دانشجویان بیرو خط امام" و شخص آیت الله خمینی به این نتیجه رسیدیم است تنها با سرکوبی حکومت کونولی و روی کار آوردن عناصری مثل بختیار و نژیبه و امثالهم و با به قدرت رساندن فرماندهان نظامی، می تواند سیاست های خود را در ایران دنبال کند و هدف خود را که به شکست کشاندن و سرکوب جنبش خلق ما است به پیش برد. امروز کاملاً آشکار است که تلاش امپریالیسم آمریکا برای تحمیل یک سیاست مریون توسط مهرهای خود نیز بدون حاکمیت با شکست روبرو شده است. از این رو در شرایط کنونی جهت گیری عمده امپریالیسم اعمال فشارهایی از بیرون است. از همین روست که ما امروز شاهد آنیم که از یک سو عناصری از محافل سرمایه داران لیبرال امثال بختیار و نژیبه با حمایت همزمانه امپریالیسم جهانی و به پاری شبکه های وسیع تبلیغاتی امپریالیسم دست به تبلیغاتی گسترده علیه حکومت کونولی زده و تلاش دارند میلیون ها مردمی را که در نتیجه افزایش گزانی و بیکاری و عدم تحقق بسیاری از خواست های دمکراتیک تودهها و خدمتکاران خویش از حکومت، از حمایت آن سرباز می زنند، به سوی خود جلب کنند و از سوی دیگر با تمرکز تفککداران در پاری خود در خلیج فارس و پاندهای نظامی پاکستان و عمان و عربستان سعودی و با سازماندهی هواداران رژیم شاه در مصر و اسرائیل و عراق و ارسال و توزیع سلاح در میان شوراهای و سازمانین مرتجع مناطق جنوبی و مرکزی کشور در فرسی، حساب و به کمک فرماندهان ارتش حکومت



## به جرم داشتن عقاید سیاسی معلمان را اخراج می‌کنند!

اخیراً در وزارت آموزش و پرورش، برای سرکوب دبیران آموزش و پرورش دست می‌زنند. این شیوه سرکوب که نشانه ورشکستگی ایدئولوژیک و اخلاقی طراحان آن است، بدون تردید با اعتراضات وسیع مردم، معلمان و دانش آموزان روبرو خواهد شد و شکست و رسوایی حتمی طراحان آن را به دنبال خواهد داشت. در زیر نامه یکی از دبیران آموزش و پرورش را به وزیر آموزش و پرورش که در اعتراض به اخراج خود نوشته است، می‌خوانید

جناب آقای رجایی وزیر  
آموزش و پرورش ایران

۳- مگر در دوران انقلاب می‌توان هنوز به سبک و سیاق ساواک در ادارات و مدارس تفتیش عقاید کرد؟ آیا این مخالف نص صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی نمی‌باشد؟ چگونه می‌شود هنوز در اطاق‌های در بسته با ۳ نفر جلسه گرفت و به نام کمیته پاکسازی؟ انقلابی‌ترین و مبارزترین معلمان را اخراج تهدید و اخطار داد؟ آیا نباید ماهیت اعضای کمیته به اصطلاح پاکسازی برای مردم، معلمان و کارمندان، دانش آموزان مشخص گردد؟ آیا امکان ندارد وابستگی رژیم شاه و رستاخیزی‌های دوران سیاه دیکتاتوری در رأس چنین کمیته‌هایی قرار گرفته باشند؟

۴- راستی در جمهوری اسلامی هر معلمی که بر علیه ساواکی‌ها - طاغوتی‌ها و فتوادل‌ها افشاکاری کرد و مبارزه نمود باید به دست شما تصفیه گردند؟ پس چه فرق است بین شماها و حکومتگران قبلی که معلمان مبارز را از کار برکنار می‌کردند و به

احتراماً، در تاریخ دوم اردیبهشت ماه جاری از طرف اداره کل آموزش عشایرنامه‌ای کوتاه با امضای آقای مومنی مدیر کل آموزش عشایر به دستم رسید که مضمونش چنین است "آقای اشکیوس طالبی دبیر دانشسرای مقدماتی دختران طبق دستور تلفنی آقای کثیرانی معاون وزارت آموزش و پرورش از این تاریخ هیچ سمتی در آموزش و پرورش ندارید. ۱۳۱۹ خلیج جالب و بحث‌انگیز است! برای هر انسانی این سؤال مطرح می‌شود:

۱- مگر کارمندان و فرهنگیان آموزش و پرورش تلفنی استخدام شده‌اند که باید تلفنی برکنار شوند؟

۲- مگر می‌شود در جمهوری اسلامی که خودش را طرفدار قانون الهی و انسانی می‌داند بدون محاکمه و بدون دلیل، به صورت شاهنشاهی کارمندان را و معلمان را عزل و نصب کرد؟

زندانی می‌انداختند و شکنجه می‌کردند؟

۵- من ۱۷ سال در بدترین شرایط در ایلات و روستاهای فارس معلم بودم. بر علیه رژیم شاهنشاهی جنگیدم - زندان رفتم شکنجه شده‌ام و اکنون هم با عوامل خان و عوامل ساواک در سیزدهم - آیا شما چنین افرادی را نمی‌توانید تحمل کنید؟ من چنین نامهای خصوصاً امیر را توهین به مقام معلم می‌دانم و علیه مومنی مدیر کل آموزش عشایر و کثیرانی معاون وزارت آموزش و پرورش و سایر مسئولین قضایی موظفند در قبال این مسئله پاسخگوئی تصمیمات خود در برابر مردم عشایر - فرهنگیان و دانش آموزان و دانشجویان باشند.

رونوشت به نشریه "کار"

بسمه تعالی  
آقای اشکیوس طالبی دبیر دانشسرای مقدماتی دختران اداره کل آموزش عشایر؛  
به موجب دستور تلفنی بامداد روز ۳۰ فروردین ۵۹ جناب آقای کثیرانی معاونت محترم وزارت آموزش و پرورش هیچگونه سمتی در وزارت آموزش و پرورش ندارید.

خلیل مومنی  
مدیرکل آموزش عشایر

## نقش اوپک در مبارزه با...

بیتا ز صفحه ۱

می‌توان در تصمیم‌گیری کشورهای اروپای غربی و ژاپن در مورد تحریم اقتصادی ایران و یا تحریم مبادلات تجاری با شوروی به غوسی مشاهده نمود.

در کنفرانس اخیر اوپک در طائف، جناح مترقی و ضد امپریالیست توانست نسبتاً حدودی نظریات خود را پیش ببرد و برای بررسی همه‌جانبه‌تر مسائل نفت پیشنهاد شد که وزیران خارجه کشورهای امپریالیستی و نفت و دارایی کشورهای اوپک برای بررسی روابط "کشورهای تولیدکننده نفت" و "مصرف‌کنندگان عمده صنعتی" کنفرانسی تشکیل دهند. همچنین تصویب شد که برای قیمت گذاری نفت خام اوپک با توجه به تورم و تغییر ارزش‌ها و میزان رشد میازات کشورهای عضو سازمان توسعه همکاری‌های اقتصادی سیستمی تعیین شود یکی از مهمترین تصمیمات کنفرانس اوپک در طائف چنین بود که هیچ یک از کشورهای عضو اوپک میزان تولید خود را برای جبران کاهش تولید نفت ایران افزایش ندهند.

تصمیم دیگر اوپک به نقل از مصاحبه معین فر وزیر نفت (اطلاعات ۲۰ اردیبهشت ۵۹) در مورد پیوند دادن قیمت گاز صادراتی کشورهای عربی اوپک یا بهای نفت خام بود. طبق این تصمیم افزایش آتی قیمت گاز تابع افزایش قیمت نفت می‌گردد. کنفرانس مشترک ایران - الجزایر - لیبی برای ایجاد جنبه مشترک در سیاست‌های صادراتی نفت در تضعیف کشورهای نظیر عربستان سعودی بی‌تأثیر نبوده است و اقدامی در جهت مبارزات ضد امپریالیستی خلق‌های منطقه است. اتحاد عمل این کشورها در گام‌های نخست خود سبب افزایش قیمت گاز صادراتی الجزایر شد. این اتحاد عمل در کنفرانس طائف اثرات خود را در افزایش قیمت‌های نفت و گاز و کاهش تولید و صادرات نفت خام برجای گذاشت. و همچنین کوششی در جهت قیمت‌گذاری واقعی نفت بود.

عربستان سعودی روزانه نزدیک به ۹/۵ میلیون بشکه نفت خام مردم عربستان را چپاول می‌کنند و اکثریت مردم عربستان در ابتدائی‌ترین شرایط زندگی به سر می‌برند. سیاست نفتی رژیم حاکم بر عربستان سعودی به عنوان اهرمی علیه کشورهای مترقی و ضد امپریالیست عضو اوپک بکار می‌رود. رژیم حاکم بر عربستان سعودی سیاست دیکته شده توسط انحصارات امپریالیستی را مو به مو اجرا می‌کنند. نقش دولت عربستان و دیگر رژیم‌های دست‌نشانده امپریالیسم در اوپک، در شرایط کنونی که امپریالیسم جهانی با بحران انرژی و مشکلات اقتصادی دست به گریبان است، بیش از هر زمان متوجه سرکوب میازات ضد امپریالیستی خلق‌های منطقه است. اکنون کمبود و گرانی منابع انرژی و به ویژه نفت به شکل حادی بروز کرده است و مستقیماً در مجموع سیستم تولیدی امپریالیسم تأثیر می‌گذارد. در جهت تشدید بحران کشورهای امپریالیستی عمل می‌کنند.

مبارزه ضد امپریالیستی رو به گسترش خلق‌های سراسر جهان مواضع کشورهای مترقی و ضد امپریالیست در اوپک را تقویت نموده و اکنون جناح نیرومندی را در اوپک تشکیل داده است. تا جایی که دیگر سیاست انحصارات امپریالیستی که از طریق کشورهای نظیر عربستان سعودی بر اوپک اعمال می‌شد نمی‌تواند بطور یکجانبه به پیش رود.

وابستگی مطلق کشورهای امپریالیستی به ویژه اروپای غربی و ژاپن به نفت صادراتی کشورهای اوپک و رشد مبارزه ضد امپریالیستی در کشورهای عضو اوپک، که در کاهش تولید و افزایش قیمت نفت صادراتی خود را نشان می‌دهد بحران انرژی را عمیق‌تر کرده است. بحران انرژی در شرایط کنونی بیش از هر زمانی سبب تشدید تضادهای کشورهای امپریالیستی شده است. و ابعاد این تضاد را

## تجاوز به حقوق دهقانان زحمتکش "پسرلوانگوت"

### اردبیل

لیکن هیچ نتیجه‌ای از این شکایات عایدشان نشده است. مسئولین زاندارمری و پاسداران منطقه از همان ابتدا جانب غاصبین زمین را گرفته‌اند و به شکایات روستائیان هیچ ترتیب اثری نداده‌اند.

روستائیان مرفه این زمینها را غصب کرده و کاشته‌اند. زحمتکشان روستا برای جلوگیری از تجاوزات آنها، تاکنون بارها بطور دسته‌جمعی به "گرمی" و "تازه‌کنند" رفته و به زاندارمری و سپاه پاسداران شکایت برده‌اند.

"پسرلوانگوت" از روستاهای شهر اردبیل است در این روستا زمینی بوسعت ۱۲۰۰ هکتار وجود دارد که به تمام روستائیان تعلق داشته و برای چرانیدن گوسفندان بطور جمعی مورد استفاده واقع می‌شده است در چند ماهه اخیر دو تن از

# بسیج مسلح توده‌ها ضامن پیروزی خلق‌های ماست

### دستگاههای تبلیغاتی امپریالیسم جهانی

علیه مردم ما بسیج شده‌اند.

چندی است که تبلیغات امپریالیست‌ها و دوستان و جاسوسان آن دامنه و وسعت چشمگیری یافته است. اینک دشمنان مردم که منافع خود را در مرض نابودی می‌بینند سازمان یافته تر و بی‌پروا تر دست به کار شده‌اند. رادیه‌های تبلیغاتی امپریالیست‌ها و دوستان و جاسوسان آن کوشش می‌کنند با به راه انداختن تبلیغات پر سر و صدا به اتکای خواست‌های برآورد شده مردم و با بهره‌گیری از ناراضی‌ها و عصبانیت‌های در حال گسترش آنان نیات پلید خود را پیش برند. سیاست تبلیغاتی آنان هدف‌های زیر را دنبال می‌کنند:

- ۱- با پخش اخبار و مطالب نادرست سعی دارد تا جهت و سمت مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم میهنان را از سنت اصلی خود منحرف کرده و توده‌ها را از ادبانه مبارزات خویش دلسرد کند.
- ۲- مخدوش کردن مرز میان دوستان واقعی مردم با دوستان و جاسوسان امپریالیسم.
- ۳- ضربه زدن به مبارزات حق طلبانه خلق‌ها و لوث کردن مبارزات بروح آنان؛ به ویژه لطمه وارد کردن به جنبش مقاومت خلق کرد.
- ۴- کسب حیثیت برای خود از طریق نزدیک جلوه دادن خود به نیروهای انقلابی.
- ۵- اشاعه و رواج فرهنگ مبتذل.
- ۶- سازماندهی و هدایت ایادی امپریالیسم در ایران. با توجه به اهداف این سیاست، افشای نیات پلید امپریالیسم که با کمک دوستان و جاسوسان داخلی تبلیغ می‌شود، جزء وظایف انقلابی نیروها و سازمانهای ترقیخواه است. وظیفه نیروهای آگاه و انقلابی است که برای مردم نقشه‌های جدید تبلیغاتی امپریالیسم آمریکا و عواملش مانند بختیار را توضیح دهند. و نگذارند امپریالیست‌ها و دوستان و جاسوسان آن مردم ما را بفریبند.

اغدام پرستل انقلابی ارتش به جرم این اعتقاد که:

باید بدانند ماشه را ... بقیه از صفحه ۱۶

منصور حاج قاسمی همچنانکه در روزنامه جمهوری اسلامی مورخ یکشنبه ۲۸ اردیبهشت ماه نیز درج شده است، صرفاً به خاطر مبارزه برای ایجاد شوراها و داشتن معتقدات سیاسی ترقیخواهانه بوده است. ستوانیار سوم، منصور حاج قاسمی، تنها به این دلیل اعدام گردید که معتقد بود: "باید بدانند ماشه را به خاطر گی و به سوی چه کسانی می‌چکند!" پرسنل انقلابی ارتش اعتقاد دارد که کشف تمامی توطئه‌های طرفداران شاه و امپریالیسم آمریکا در درون ارتش و کوشش در جهت اتحاد عمل با نیروهای ضد امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است.

### یازدهمین اجلاس

## "اتحادیه سراسری روستائی ترکمن صحرا"

## باموفقیت به کار خود پایان داد

یازدهمین نشست اعضای اتحادیه سراسری روستائی ترکمن صحرا، به منظور بحث و تبادل نظر پیرامون چگونگی برداشت محصول و وظایف و برنامه شوراهاى دهقانی در فصل درو، و ... در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ۵۹ برگزار شد و با اتخاذ تصمیمات مهمی باموفقیت به کار خود پایان داد.

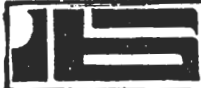
شرکت کنندگان در "اجلاس" ابتدا، با اعلام یک دقیقه سکوت، خاطره شهدای به خون خفته خلق، از جمله شهیدان جنگ تحمیلی اخیر ترکمن صحرا را گرامی داشتند. آنگاه یکی از اعضای "اتحادیه"، برگزارى یازدهمین اجلاس آن را شادباش گفت و سخنانی درباره اهمیت شوراها و اتحادیه سراسری بیان داشت و گفت: "اتحادیه سراسری" که در راه کسب حقوق از دست رفته دهقانان و زحمتکشان ترکمن صحرا مبارزه می‌کند همواره با کینه و دشمنی زمینداران بزرگ روبرو بوده است این دشمنی برای ما دهقانان و زحمتکشان نشانه حقانیت "اتحادیه سراسری" است. ما تلاش و توطئه‌های زمینداران بزرگ را برای درهم شکستن "اتحادیه سراسری" خنثی خواهیم کرد و بر آنان پیروز خواهیم شد. اعضای اتحادیه سپس به بحث و بررسی پیرامون مسائل مختلف پرداختند. برداشت محصول و نقش "اتحادیه سراسری" در این رابطه، جنگ تحمیلی کردستان، حمله به دانشگاهها به بهانه انقلاب فرهنگی، کوشش سراسری برای نابودی تشکلهای صفتی - سیاسی دانشجویان، شکست تجاوز نظامی آمریکا، اهمیت اول‌ماه و نقش سراسری کارگر در

پیروزی مبارزات زحمتکش روستا، از جمله مسائل مهمی بود که مورد بررسی قرار گرفت. یکی از اعضای "اتحادیه" ضمن سخنرانی در مورد اهمیت سیاسی و اقتصادی برداشت محصول، خاطر نشان ساخت که: "مسئله درو و برداشت محصول امسال از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا برداشت موفقیت‌آمیز محصول امسال در واقع نشانه پیروزی روز افزون زحمتکشان ترکمن صحرا در تمامی زمینه‌ها، از جمله امر تولید است."

او سپس در رابطه با چگونگی تقسیم کار به هنگام برداشت، حفاظت از محصولات درو شده، جلوگیری از اقدامات خرابکارانه سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ سخن گفت و یادآوری کرد که حفظ محصول و کوشش در افزایش تولید گندم و جلوگیری از ضایعات در جهت مبارزه با امپریالیسم آمریکا و دوستان و جاسوسان آن است. ما باید برای مقابله با محاصره اقتصادی آمریکا، گندم، بیشتری برداشت نماییم. شرکت کنندگان در "اجلاس" پس از این سخنرانی، در مورد کارشنکی عناصر ضد خلقی در امر برداشت محصول و حمایت پاره‌ای از مقامات مسئول از زمینداران بزرگ به مذاکره پرداختند و به این نتیجه رسیدند که: "این وظیفه شوراها است که ماهیت این اعمال را برای مردم توضیح دهند و به آنها نشان دهند که ان شیوه‌ها راه به جایی نمی‌برد و گواه این امر هم پیروزی‌های چشمگیر خلق زحمتکشان ترکمن صحرا و اتحادیه سراسری شوراهاى خلق ترکمن، شادباش خونینی است که به آنها

تحمیل شد. مسئله زحمتکشان غیر ترکمن (سیستانی‌ها) نیز از جمله مائلی بود که در "اجلاس" به بحث گذاشته شد. اعضای اتحادیه متفقاً برهمسنگی مبارزاتی همه خلقها تاکید کرده و ضرورت تقویت هر چه بیشتر زمینه‌های وحدت "سیستانی‌ها" و "ترکمن‌ها" را که همه توسط یک دشمن مشترک یعنی طبقه سرمایه‌دار و زمینداران بزرگ، استثمار می‌شوند، یادآور شدند. در این رابطه تصمیم بر آن شد که به منظور افشای سیاستهای ارتجاعی دولت و فئودال‌ها برای ایجاد درگیری بین زحمتکشان ترکمن و "سیستانی" از تجربه تشکیل "شورای مرکزی" مرکب از نمایندگان شوراهاى همه ملیت‌ها اعم از ترکمن و غیر ترکمن استفاده شود. در پایان نشست، از آنجا که هنوز مسائل مهمی وجود داشت که می‌بایست در موردشان تصمیم‌گیری شود قرار شد کنگره شوراها هرچه زودتر برگزار شود. برگزاری موفقیت آمیز اجلاس اتحادیه سراسری روستائی ترکمن صحرا نشانه رشد و گسترش مبارزات عادلانه خلق ترکمن و پیروزی جدیدی در راه تأمین صلح زمین و آزادی برای زحمتکشان است. جانبازی‌های زحمتکشان ترکمن صحرا و موفقیت روز افزون روشنفکران انقلابی آن در راه آگاه نمودن و شکل توده‌ها بدون تردید دستاوردها و تجربیات گرانبهائی برای دهقانان سراسر ایران دربر خواهد داشت. سازمان ما، پیروزی نوین خلق ترکمن را با گرم‌ترین درودها، به دهقانان و زحمتکشان ترکمن صحرا و اتحادیه سراسری شوراهاى خلق ترکمن، شادباش می‌گوید.

## زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند



گزارشی از اراک :

# مشکل گرانی و زندگی طاقت فرسای مردم

از روزهای قیام تا انتخابات ریاست جمهوری، اعتماد توده‌ها به مسئولین حکومتی، یک سیر نزولی مشخصی را پیموده است. در این میان "آیت الله خمینی" با موضوع گیری‌های خاص خود همچنان حلقه‌ای احتمالی است بین توده‌ها و حکومت. ایشان در مجموع توانستند گرانش توده‌ها را به نفع حاکمیت - نسبتاً - حفظ نموده و در توقعات و انتظارات رفاهی توده‌ها - به نوعی - تعدیل ایجاد نمایند. در واقع این حلقه‌ای اتصال توانسته است تا حدودی سیاست "صبر و انتظار" را جایگزین اعتراضات مردم نماید. لیکن این نگرش به هیچ وجه نباید نبین این گرایش باشد که پس توده‌ها خواست‌های رفاهی خود را - در این مدت - رها کرده‌اند.

واقعیت نشان می‌دهد که اعتراضات اقتصادی - سیاسی نوین توده‌ها - از روزهای بعد از قیام تا امروز - تکامل جینی خود را طی کرده و جدیدی از حیات، مراحل بعدی خود را آغاز نماید. بی‌توجهی به این مسأله برای جنبش کمونیستی ایران خطری جدی در بر خواهد داشت.

ارزیابی نقطه نظر توده‌ها به روشنی نشان می‌دهد که دیگر سیاست "صبر و انتظار" بطور محسوس جای خود را به "بیان آشکار خواست‌ها" داده است. مثلاً با هرکس صحبت کنی، گرانی را به عنوان یک امر واقع و پدیدهای غیرقابل انکار می‌پذیرد.

متعصب‌ترین افراد مذهبی نیز که باور داشتند "برای نان و خربزه انقلاب نکرده بودند" اکنون از گرانی دل خونی دارند و مانند همه زحمتکشان کلافه شده‌اند. اقشار میانی نیز در نهایت، ناراضی هستند و حتی لایه‌هایی از گروه‌های مرفه مردم نیز، "گرانی" را انکار نمی‌کنند.

از بین ۲۷۰ نفر از طبقات و اقشار مختلف که مورد ارزیابی قرار گرفته، تنها ۱ نفر آدم خیلی مرفه آنهم در برخوردی کاملاً سطحی و گذرا گفته:

"هیچ چیز گران نیست."

می‌شود به جرات گفت:

گزارشی که در زیر می‌خوانید حاصل تحقیق و مطالعه رفقای ما در اراک است. این گزارش با جمع‌بندی نظریات ۲۷۰ نفر از اقشار متفاوت مردم اراک تهیه شده است. ما اقدام رفقا را در تهیه چنین گزارشی ستایش می‌کنیم و خاطر نشان می‌سازیم که تنظیم گزارشات صحیح، عینی و منطبق بر واقعیات، وظیفه‌ای انقلابی است که ما را در شناخت صحیح وضعیت مردم و اتخاذ تاکتیک‌های درست یاری می‌رساند. ما از همه رفقا می‌خواهیم که با تنظیم و ارسال چنین گزارشی نقش فعال‌تری در پیشبرد صحیح وظایف انقلابی بر عهده گیرند.

رفقا! جنبش کمونیستی ایران در شرایط کنونی به شناخت هرچه عینی‌تر از "وضعیت مردم" و "جامعه" نیازمند است و این نیاز را ما موظفیم با گوش پی‌گیر همه رفقا برطرف سازیم.

با پرفروغ‌ترین امیدهای کمونیستی برای شما

مشکل "گرانی" به عنوان یک واقعیت غیرقابل انکار صددرصد در بین تمامی طبقات و اقشار مردم این شهر به صورتی حاد مطرح است و دیگر جای تردید و بحث باقی نگذاشته است. در نتیجه تنها نکته‌ای که این گزارش - در حد توان خود - بدان توجه نموده است، نوع برخوردها و عکس‌العمل‌هایی است که مردم نسبت به پدیده "گرانی" از خود نشان داده‌اند.

۱- اقشار تحتانی کارگران و سایر زحمتکشان شهروستا: در حدود ۶۰ درصد از افرادی که در این بخش مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند، از گرانی و کمبود مواد اولیه زندگی کاملاً "کژن" به نظر می‌رسند. ۴۰ درصد بقیه نیز به شدت اظهار ناراضگی کرده‌اند. گاهی اعتراضات شکل "ضجه" به خود گرفته است: "پدرمون درآمده"، "ای آقا، باید سرمون بذاریم و ببریم"، "می‌سوزیم و می‌سازیم".

نکته‌ای که در این بخش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، شناختی است که توده‌ها نسبت به کشف ریشه‌های اصلی "گرانی" پیدا کرده‌اند. عموماً می‌گویند "علت همه این گرانی‌ها سرمایه‌داران و امریکاست".

یک موج مخالفت آشکار علیه سرمایه‌داری و امپریالیسم در رابطه با فشارهای اقتصادی شکل گرفته است که آهنگ رشدش بسیار تند است. در این رابطه آهنگ رشد آگاهی‌های سیاسی - طبقاتی توده‌ها بسیار چشمگیر است. استدلال "دکاندرها" عامل گرانی‌اند" در بین توده‌ها رنگ باخته است. حتی آن‌جائی که از

"فروشندهگان" و "محتکران" صحبت به میان می‌آید بیشتر عمده فروش‌ها و سرمایه‌داران مورد نظرشان است. دیگر به ندرت می‌شود در بین توده‌ها کسی را پیدا کرد که "کمبینه‌ها" را عامل گرانی قلمداد کنند. در این بخش تنها ۲ مورد از این نحوه تفکر دیده شده است.

جملات زیر را توده‌های مردم در گفتگوهای خویش تکرار می‌کنند: "گفتیم بنی‌صدر وضع را درست می‌کند که فقط حرف می‌زند، اهل عمل نیست"، "همان وعده و وعیدهای زمان شاه" این دولت هم دولتی نیست که به فکر ما باشد". به جز امام همه‌شون امریکائی‌اند".

شورای انقلاب و بسیاری از لیبرال‌های درون حاکمیت اتوریته‌ی خود را از دست داده‌اند. مخالفت‌های آشکاری نیز با "بازرگان" شروع شده که قبلاً به ندرت در بین مردم عادی اراک دیده می‌شد. بطور مشخص او را "سرمایه‌دار" و "سازشکار" می‌نامند.

روستائیان بیشتر یا خشم و کینه از "گرانی" و "مسئولین حکومتی" صحبت می‌کنند. در روستاهایی که مسأله ارضی مطرح است، در بین روستائینی که دنبال وام و ادارات کشیده شده‌اند انگیزه‌های تازه‌ای از بی‌اعتمادی به وجود آمده، که نتیجه‌ی سیاست دوپهلویی است که وزارت کشاورزی در برابر مطالبات دهقانان و مسأله زمین اعمال کرده است.

عده‌ای نیز "مردم" را مقصر دانستند که تعدادشان ناچیز است. این دسته از زحمتکشان می‌گویند:

" بنی صدر تازه روی کار آمده، باید ببینیم چه می‌کند؟"، " دولت باید همه چیز را خودش کنترل کند"، " باید از طریق تعاونی‌ها فروش اجناس کنترل شود"، " در اسلام صبر هست باید صبر کرد"، " بنی‌صدر می‌تواند وضع را درست کند"، " آخر او نماینده‌ی امام است" و ...

یک نفر نیز گفته است: " این گروه‌ها نمی‌گذارند. در مجموع کسانی که نظریاتشان زمینه‌هایی از استدلال‌های فوق را به همراه دارد، کاملاً در اقلیت می‌باشند."

۲- لایه‌های میانی کارگران و خریده بورژوازی: اساس تفکر توده‌های این بخش نیز با قسمت اول تفاوت چندانی ندارد. جز آنکه استدلال‌ات آنها - کم و بیش - رنگ و بوئی از تاریخ سیاست و اقتصاد را نیز به همراه دارد. بررسی خواست‌ها و نظریات مردم به وضوح نشان می‌دهد: آنجا که اعتراضات و مبارزات توده‌ها ناشی از یک مشکل مشترک و ملموس‌تری باشد، اقشار و طبقات خلق به هم نزدیک شده و به روشنی می‌شود در بین آنان اعتقادات مشترکی یافت.

کسبه نیز گرانی را از "بالا" دانسته و عامل آن را "سرمایه‌داران" می‌دانند. در استدلال آنان غالباً دو وجه مشخص دیده می‌شود. اول آنکه گرانی را مشخصاً به سرمایه‌داران نسبت می‌دهند. دوم آنکه سعی میکنند با این استدلال توجیهی نیز برای گران - فروشی‌های خود پیدا کنند. رویهم‌رفته کسبه درباری مشکل گرانی، واقعاً با مردم به نوعی اظهار همدردی،

می‌کنند. زنان زحمتکش اراک در بیان اعتراضات و نظریاتشان از صراحت بیشتری برخوردار بودند. به روشنی می‌شود فهمید که زنان "گرسنگی" و "فشارهای اقتصادی" را ملموس‌تر احساس می‌کنند.

۳- مرفه‌ترین خریده بورژوازی اراک و سرمایه‌داران:

مرفه‌ترین گروه‌ها نیز "گرانی" را به عنوان یک امر واقع پذیرفته‌اند. لیکن بطور مشخص برخوردشان در باره گرانی با سایر طبقات و اقشار خلق متضاد است. هیچ نقطه‌ی مشترکی بین گفته‌های ایشان و توده‌های مردم وجود ندارد. خط و مرزها را کاملاً رسم کرده‌اند. به راحتی می‌شود فاصله‌ی عمیق بین منافع توده‌ها و منافع ایشان را احساس کرد. اگر ناراضی نیز در گفته‌هایشان دیده می‌شود، به علت "کمبود کالا" و "عدم مرغوبیت اجناس" است. گرانی را معلول "حقوق زیاد کارگران"، "قطع رابطه با امریکا"، "تنوع در مراکز تصمیم‌گیری"، "هول زدن مردم" و اینکه "به حق خود راضی نیستند" می‌دانند.

در همه دنیا تورم وجود دارد. اینها همه از عوارض انقلاب است". " یعنی که بترسید و دیگر انقلاب نکند! مردم را نیز حکم‌نامه به صبر دعوت می‌کنند و از آنان می‌خواهند که " خدا را شکر" کنند. به حاکمیت نیز بنا به خواست‌های طبقاتی خود بدین‌اند. "آخوند بازی است"، "توی پاسداران و جهاد سازندگی، کمونیست‌ها نفوذ کرده‌اند. زمین‌های مردم را می‌گیرند، تقسیم می‌کنند". درون هیئت حاکمه عده‌ای طرفدار شوروی هستند. و ...

یادآوری می‌کنیم که دسته از هر اقدامی که در جهت سرکوب حقوق دموکراتیک و آزادی‌های سیاسی صورت می‌گیرد پشتیبانی می‌کنند و بیشترین نفرت را از "فدائی‌ها" از خود نشان می‌دهند، این دسته در مقابل هرگونه حرکت انقلابی مقاومت و مصلحت‌پسندی می‌کنند و آمادمانند که از هرگونه کمکی به ضد انقلاب کوتاهی نکنند. آنان بیشترین دشمنی‌ها را با مبارزات کارگران و زحمتکشان علیه سرمایه‌داری و امپریالیسم از خود بروز می‌دهند.

آنجا که شوراهای واقعی کارگری بر کارخانه حاکم است

# کارگران باید با افزایش تولید و بهره‌وری کار، مانع تبلیغات نفاق افکنانه دشمنان خود شوند

باردیگر موجودیت شوراهای بطور جدی مورد سوال قرار گرفته است و این مسئله تازه‌ای نیست. از همان آغاز روی کار آمدن دولت بازرگان مقابل و مبارزه جوشی کینه توزانه علیه شوراهای آغاز شد و تلاش‌های فراوانی بعمل آمد تا اینگونه تشکل‌های تودم‌های را در نطفه خفه کنند. ولی شوراهای سرمایه‌داران و تلاش‌های سرمایه‌داران و حتی در شرایطی که آزادی‌های سیاسی در مرداد ماه همانند امروز مورد تهاجم و تهدید قرار گرفت، مقاومت کردند.

پس از تهاجم به شوراهای دهقانی ترکمن صحرا (که دستاورد مبارزاتی انقلاب دهقانان و زحمتکشان خلق ترکمن است) برنامه ریزان یورش به دانشگاه‌ها و کشتار وحشیانه دانشجویان ضمن تلاش برای ایجاد رعب و وحشت در توده‌های مردم، درست در لحظاتی که خطر تهاجم آمریکا یک خطر واقعی است و خاطر مردم ما را به خود مشغول داشته است محیطی مناسب برای بهره برداری و تبلیغات علیه نیروهای انقلابی و تشکل‌های تودم‌های یافتند. بطوری که شوراهای این دستاورد مبارزات انقلابی کارگران و زحمتکشان بار دیگر مورد تهاجم جدی قرار گرفته است. شوراهای کارخانه‌ها که در شرایط انقلابی قیل از قیام عمدتا از دل کمیته‌های اعتصاب و پس از قیام به منظور کنترل و اداره کارخانجات متعلق به سرمایه‌داران وابسته و فراری شکل گرفتند، طی یک سال اخیر نقش قابل ملاحظه‌ای در جهت ارتقاء آگاهی طبقاتی کارگران و پیشبرد مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک داشتند. شوراهای کارخانه‌ها در بسیاری موارد، حرکات و اقداماتی انقلابی و مترقی بر علیه سرمایه‌داری و قوانین و آئین‌نامه‌های آن انجام

دادند. نقش موثر شوراهای در مصادره کارخانجات و اموال متعلق به سرمایه‌داران وابسته به دربار و امپریالیسم و مبارزه بیگانه برای دولتی کردن آنها، به راه انداختن واحدهای تولیدی‌ای که در جریان قیام و با فرار سرمایه‌داران از کار افتاده بود و سپس کنترل و اداره امور آن و افزایش بهره‌وری تولید در واحدها (میزان تولید کارخانه لیفتراک سازی تبریز پس از اداره آن توسط شورا از ۲ لیفتراک در

خود سعی کنند شوراهای بی‌محتوی سازند. حزب جمهوری اسلامی با آنکه به انجمن‌ها و کانون‌های وابسته به خود در کارخانجات می‌کوشد از عواطف و اعتقادات مذهبی کارگران بهره‌برداری کند و رهبری مطلق همه فعالیت‌های درون کارخانجات را به خود اختصاص دهد. انحصارجویی و تنگ‌نظری این حزب به آن اندازه است که تنها برای نیروهای وابسته به خودش حق حیات سیاسی - اجتماعی

مجدد در آنها (کارخانه کاشی پارس قزوین - نیمه دوم فروردین ماه) تحریک کارگران ناآگاه به ایجاد درگیری با کارگران مبارز و مترقی و همچنین دامن زدن به این درگیری و تشدید اغتشاش برای زمین‌سازی و توجیه ورود پاسداران به کارخانه‌ها و بازداشت کارگران مبارز، اتهام و دروغ‌پردازی علیه نیروهای انقلابی و کارگران مترقی (در ۱۵ فروردین ماه جاری کارخانه ایرداک تبریز کارگر مبارزی

مورد تلاش‌های حاکمیت برای مقابله و اوجگیری از اعمال اراده توده‌ها از طریق شوراهایشان بود. اما مسئله جانب دیگری هم دارد. یعنی وجود:

الف - بحران عمیقی که به صورت بیگاری، تورم، کمبایی و گرانی گریبانگیر جامعه است و چارچوب قوانین گذشته را در هم ریخته و بازسازی آن را با همسان مضامین ناممکن ساخته و طالب وضعیت دیگری است.

ب - اراده و آگاهی توده‌های مردم که تجربه قیام را پشت سر دارند، و به حقوق خویش و تشکیلات حافظ منافع خویش کم و بیش آشنائی یافته‌اند.

پ - وجود سازمان‌های انقلابی و مترقی که می‌کوشند بر بستر این واقعیات برای گسترش مبارزات ضد - امپریالیستی - دمکراتیک توده‌ها به سنگرهای واقعی این مبارزه یعنی تشکل توده‌های (به ویژه شوراهای کارگری و ...) آنکه توده در جهت ارتقاء آگاهی و انسجام و زحمتکشان گام بردارند. گسترش و پیشبرد مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک منوط به دفاع فعال از سگرهای این مبارزه یعنی دفاع از شوراهای در رأس آن شوراهای کارگری است. یعنی دفاع فعال از دستاوردهای دمکراتیک توده‌ها در برابر سرکوب و هرج و مرج. در مقابل خطری که شوراهای تهدید میکند (از هم پاشیدن و از محتوی تهی شدن) باید قبل از هر چیز از شورا، به مثابه یکی از دستاوردهای مبارزاتی مردم ما بر علیه رژیم شاه و امپریالیسم و همچون سنگری که تأمین منافع اقتصادی و سیاسی کارگران و زحمتکشان، محتوی آن بوده دفاع کرد. شوراهای نمونه‌ای از تشکل توده‌های در

کارگران پیشرو باید از برخورد‌های ایدئولوژیک در درون شوراهای پرهیز کنند و با افشاگری‌های سیاسی و ارائه راه‌حل‌ها و شیوه‌های عملی حل مشکلات اقتصادی و سیاسی کارگران، شورا را تقویت کنند. بخصوص بر افزایش تولید و بهره‌وری کار، آنجا که مبتنی بر شور و اراده متحد و آگاهانه کارگران در اداره کارخانه است تأکید کنند و بدینوسیله تبلیغات زهرآگین و نفاق‌افکنانه حاکمیت را که همواره از "اخلال در تولید" توسط پیشروان طبقه کارگر دم می‌زنند عملاً خنثی و بی‌اثر سازند.

هفته به ۲۱ واحد رسید و یا بازدهی راه‌آهن سراسری با نظارت و کنترل شورا طی یک سال گذشته ۲۰٪ افزایش (بافت) اخراج عوامل و وابستگان به دربار و امپریالیسم، ساواکی‌ها و دیگر مزدوران رژیم گذشته، مقابله و روبروئی با سرمایه‌داران، اجرای انقلابی ۴۰ ساعت کار در هفته در تعدادی از واحدها و بسیاری اقدامات رفاهی که همراه بهبود شرایط کار و زندگی توده کارگران بود، از دستاوردهای شوراهاست. این تشکل‌ها سنگر واقعی مبارزه ضدامپریالیستی بوده است و هم از این روست که کارگران در روز اول ماه مه شمار (در سنگر شوراها، نه سازش، نه تسلیم، نبرد با آمریکا) را سر می‌دهند.

مبارزه شوراهای که در گسترش خود، نظام سرمایه‌داری را به مخاطره می‌اندازد حزب جمهوری اسلامی و بنی‌صدر را وامی‌دارد که هرکدام به شیوه

قائل است و زیر عنوان تشکیل شوراهای ضد در صد اسلامی می‌خواهد کنترل خود را در کارخانجات برقرار کند. غافل از آنکه تورا نه سیاست تشکیلات حزبی بلکه تشکیلاتی همگانی و توده‌ایست. انحلال شوراهای انقلابی و مترقی، تحریک توده‌های ناآگاه و به‌ویژه اعزام باندهای سیاه به کارخانجات (کارخانه ساندیس ارومیه در تاریخ ۳۰ فروردین مورد هجوم قرار گرفت و شورای آن منحل اعلام شد و ۱۵ تن از کارگران دستگیر شدند. کارخانجات ماشین‌سازی و تراکتورسازی تبریز در هفته دوم اردیبهشت ماه جاری توسط عناصر مشکوک و باندهای سیاه اشغال شد و شورای انقلابی آن منحل گردید). برگزاری انتخابات مجدد (و کنترل شده) برای کنار زدن نمایندگان مترقی و مبارز در چوئی تحریک شده و ضد - کارگری، تلاش برای حفظ و تثبیت شوراهای فرمایشی و مخالفت جدی با انتخابات

را به اتهام واهی رشوه‌خواری دستگیر می‌کنند). اینها از جمله روش‌هایی است که حزب جمهوری اسلامی با توسل به آنها می‌کوشد شوراهای کارگری را از مضمون و محتوی توده‌های و همگانی‌اش تهی کرده و آن را به صورت جریان فرمایشی در شکل توده‌های را به مای دولتی بدل کند و امامیر در با روشی دیگر شعار "بی شورا" را مطرح می‌کند او می‌کوشد که جنبه انقلابی توده‌های شوراهای را تحت - الشعاع قوانین و آئین‌نامه‌های ضد کارگری قرار دهد و این سنگرهای واقعی مبارزه با امپریالیسم را به بهانه برقراری "نظم و امنیت" از هم بپاشد و متلاشی سازد. رئیس جمهور می‌کوشد تا با تضعیف تدریجی شوراهای وزارت کار و مدیریت کارخانه‌ها را تقویت کند و شورا را به زائده ادارات دولتی و مدیران تبدیل نماید.

آنچه گفته شد، عمدتا در

بقیه در صفحه ۷

# استقلال - کار - مسکن - آزادی

آنجا که شوراها واقعی کارگری بر کارخانه حاکم است

کارگران باید با افزایش تولید و بهره‌وری ...

بقیةازصفحه ۶

و کم و کیف این مبارزه باید در خدمت آن باشد. کارگران پیشرو باید از برخوردهای ایدئولوژیک در درون شوراها پرهیز کنند و با افشاکریهای سیاسی و ارائه راه حل‌ها و شیوه‌های عملی حل مشکلات اقتصادی و سیاسی کارگران شورا را تقویت کنند.

۶- دستاوردهای مثبت کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی را که توسط شوراها کنترل و اداره می‌شوند تبلیغ نمایند. بخصوص بر افزایش تولید و بهره‌وری کار، آنجا که مستی بر شور و اراده متحد و آگاهانه کارگران در اداره کارخانه است تأکید کنند و بدینوسیله تبلیغات زهر آگین و نفاق افکنانه حاکمیت را که همواره از "خلال در تولید" توسط پیشروان طبقه کارگر دم می‌زند عملاً خنثی و بی‌اثر سازند. در این رابطه است که باید کارگران پیشرو مفهوم روشنی از نقش شوراها در پیشبرد مبارزات ضد - امپریالیستی - دمکراتیک تصویر کنند. به این معنی که علاوه بر آنکه باید بر نقشی که شوراها به عنوان نفی‌کننده ضوابط ورشکسته و ضد مردمی پیشین داشته و دارند تأکید شود، به اهمیت نقش سازنده شوراها در مقابل نظم ورشکسته‌ای که نفی‌اش می‌کنند و مشخصاً نشان دهند که چه چیز نوینی را جایگزین کهنه می‌کنند و این امر با تأکید بر سهم این تشکل‌ها در سازندگی اقتصادی - سیاسی جامعه میسر می‌شود.

با تفهیم اصولی این دو جنبه مبارزه شورا (نفی ضوابط کهنه و بی‌ریزی ضوابط نوین) بر بستر مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده‌ها، پیشروان طبقه کارگر قادر خواهند بود رهنمودهای انقلابی، مشخص و موثر بدهند و تعهد ویژه شان را در این مبارزه به نحوی مسئولانه ادا نمایند.

تداوم آن حرکت و آن شعار را در جهت تحقق آن تضمین نماید. ایجاد کانون‌های هماهنگ کننده شوراها گام مثبتی در این جهت است.

۵- با کار آگاه‌گرانه خود جناح‌بندی‌های ساختگی و تبعیض آمیز را که مانع اتحاد یکپارچه کارگران می‌شود خنثی نمایند. تبلیغات سونی که بر مبنای تقسیم‌بندی کارگران به مذهبی و غیر مذهبی صورت می‌گیرد تنها به سود نیروهای ضد کارگر است. در شرایط کنونی بیش از هر زمان دیگر صف بندی ایدئولوژیک در درون شوراها و تشکل‌های توده‌ای مشابه آن (قطبی شدن کارگران در تشکیلات علنی) تنها از هم پاشاندن آن را تسریع می‌کند شورای انقلاب و حزب جمهوری اسلامی با دامن زدن به چنین جناح‌بندی‌هایی خلعت توده‌ای و همگانی شوراها را زایل می‌کنند. وقتیکه حزب جمهوری اسلامی از شورای صد در صد اسلامی صحبت می‌کند، با مبنا قرار

فادرند در حرکت شرکت نمایند نیز باید در اتخاذ تاکتیک در نظر گرفته شود. نه تنها سطح مبارزات کارگر بلکه وضعیت عمومی جامعه فضای سیاسی حاکم بر آن نیز مورد محاسبه قرار گیرد. نمونه‌هایی دیده شده است که شوراها بدون توجه به

مقابله و رویارویی با سرمایه‌داران، اجرای انقلابی ۴۰ ساعت کار در هفته در تعدادی از واحدها و بسیاری اقدامات رفاهی که ثمراتش بهبود شرایط کار و زندگی توده کارگران بود، از دستاوردهای شوراهاست.

جموعه امکانات عیناً موجود خود در جهت به دست گرفتن کنترل کارخانه حرکت کرده‌اند که به علت عدم تطابق این حرکت با وضعیت عمومی جامعه ناموفق بوده‌اند. و همینطور دیده شده است که یک شورا به اتکا سنت مبارزاتی درخشانش دچار سرگیجه ناشی از موفقیت شده و حتی شعار اعمال حاکمیت

عقب‌نشینی‌های موقتی و رفع موج تهاجم و سرکوب از خود نشان دهند و شورا را (بمضمون آن را) از خطر ازهم‌پاشیدگی حفظ کنند تا مجال گسترش مجدد شوراها را پیدا کنند و در این رابطه باید علاوه بر مقابله با توطئه‌گران ضدکارگر با جریان‌های انحرافی، چه

آنارشستی و چه تسلیم‌طلبانه درون کارخانه نیز خط فاصل روشن و متمایز ترسیم نمایند ۴- در برخی موارد مبارزات یک شورا ابعادی فراتر از چارچوب کارخانه می‌یابد و یا یک حرکت مشخص چشم‌انداز شرکت نیروهای وسیع‌تری را نشان می‌دهد و یا محتوی و شیوه مبارزه حساسیت نیروهای غیرکارگر و ضد کارگر را در دفاع از منافع طبقاتی شان برمی‌انگیزد (مثل حرکاتی که مضمونش تعرض شورا به "حریم" مالکیت خصوصی باشد) و همچنین مواردی که خواست‌های سیاسی بالنسبه مهم و یا خواست‌های اقتصادی (به صورتی گسترده و هماهنگ) مطرح می‌شود و امکان سرایت آن به نیروها و واحدهای دیگر کارگری می‌رود و یا حتی در یک شورا و یا چند شورای معدود سنت مبارزات انقلابی پایه می‌گیرد. و کانونی برای گسترش شعارها و خواست‌های انقلابی کارگران به واحدهای دیگر می‌شود. در همه این موارد سنگینی بار وظیفه‌ای که نیروهای پیشرو و آگاه بردوش دارند آنچنان زیاد است که اتخاذ تاکتیک مناسب باسانی میسر نیست. در اینجا نه تنها باید توان و ظرفیت عیناً موجود کارگران و شورائی که حرکت را آغاز می‌کنند، بلکه ظرفیت و توان همه عناصر بالقوای که

میهن ماست که در برابر تهاجم به حقوق دمکراتیک باید از آن قاطعانه پاسداری کرد. به این ترتیب نیروهای آگاه و ترقیخواه باید: ۱- مفهوم مترقی و انقلابی شورا و راز قدرت و استقامت آن را بیش از پیش به توده‌های کارگر توضیح دهند. اینکه نمایندگان شورا با رای مستقیم و مخفی همه کسانی که در کارخانه کار می‌کنند تعیین شده و بوسیله همانها نیز مستقیماً عزل خواهند شد و هیچ مقام و مرجع دیگری حق ندارد برای کارگران نماینده‌ای منصوب نماید و یا نمایندگان آنها را خودسرانه عزل کند. ( بطور مثال دخالت بی‌جای ایستادار و مقامات "مسئول" دیگر در کار شوراها تیریز و مداخله وقیحانه اوباش در کارخانه پاکدیس ارومیه و بازداشت و عزل خودسرانه نمایندگان شورا توسط پاسداران و ... ) شورا متعلق به کارگران است و تعیین خوب و بد آن نیز با آنهاست و کارخانه محل کار و زندگی و مبارزه کارگران است و از این رو هیچ کس حق تجاوز به حریم آن را ندارد. کارگران از شوراها و از کارخانه‌ها در برابر تجاوز و تعدی سرمایه‌داران و باندهای آنان باید پاسداری کنند.

۲- با افشاکری هرچه وسیع‌تر توطئه‌های ضد کارگری سرمایه‌داران و عواملشان و همچنین افشای توطئه‌ها و حرکات مداخله‌جویانه عناصر غیر مسئول و شناسائی باندهای سیاه و رهبران و سازماندهندگانشان، و نحوه کار آنها توده‌های کارگر را یاری دهند تا با اتحاد آگاهانه‌شان حول شورا از حقوق واقعی خویش دفاع کنند.

۳- با توجه به سطح مبارزاتی کارگران و ارزیابی وضعیت عیناً موجود آن، این مبارزه را به پیش برند و در لحظاتی که تهاجم منظم و سازمان‌یافته توطئه‌چینیان و باندهای سیاه آغاز می‌شود، انتظاف لازم را برای

بنی‌صدر با شعار "شورا بی‌شورا" می‌کوشد که جنبه انقلابی و توده‌ای شوراها را تحت‌الشعاع قوانین و آئین‌نامه‌های ضدکارگری قرار دهد و این سنگرهای واقعی مبارزه با امپریالیسم را به بهانه برقراری "نظم و امنیت" از هم بپاشد و تلاش‌های

دادن ایدئولوژی و مذهب برای یک تشکل توده‌ای عملاً این تشکل را نفی می‌کند و مانع وحدت تشکیلاتی کارگران می‌شود. هدف تشکل‌های توده‌ای بسیج و سازماندهی توده کارگران (و یا دیگر اقشار) است برای حل مسائل خودشان و مسلم است که در چنین تشکل‌هایی موضوع مبارزه و جریانات مختلف سیاسی در چارچوب مسائل و مشکلات اقتصادی و سیاسی کارگران و طرح‌ها و شیوه‌های عملی حل آن بروز می‌کند نه در قالب مجرد و ایدئولوژیک آن. آنچه که در این تشکل محور کار است منافع اقتصادی - سیاسی کارگران است و تمامی شیوه‌ها

کارگری را هم به آسانی طرح کرده است و در نتیجه بجای آنکه به الگوی تصمیم‌پذیری تبدیل شود، موجبات انفراد و انزوای بیشتر خود را فراهم کرده است. کارگران پیشرو نباید نمونه‌سازی از این یا آن شورا را دامن بزنند بلکه باید سعی کنند شوراها را با شعارهای هماهنگ به پیش برند. گسترش متوازن و هماهنگ شعارهای انقلابی می‌تواند گرایش به الگوسازی صرف را تحت‌الشعاع قرار دهد و شعارهای انقلابی منفرد و پیش‌ترش را مهار کند. طرح یک شعار انقلابی تنها آغاز یک حرکت نیست بلکه مهمتر از آن به معنای قبول مسئولیتی است که گسترش و

پیر و زباد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق ایران

یادداشتی از سفر نورو به کردستان

● مردم نگران مرکز بودند، خبر تاثر انگیز "قلاتان" برای همه معلوم کرد که جنگ افروزان به آسانی دست از سر خلق کرد بزن نخواهند داشت.

فرصت خوبی بود در ایام عید که به کردستان سفری کنیم. کردستان وقایع خونینی را پشت سر گذاشته بود. خبرها از دور می آمد. از خواست مردم کردستان برای داشتن شوراها، برای نابود کردن تحقیر و ستم ملی که طی سالها بر آنان روا شده بود. برای آنکه خرابی و بیدادی را که سالهای استمادی بر آنها رفته است نابود کنند به محض ورود، احساس تازه ای که به آدم دست می داد، احساس نگرانی از مرکز بود. آیا جنگ افروزان دوباره دست به تدارک حمله ای خواهند زد؟ آیا آنها نمی خواهند ایرانی آزاد و فارغ از ستم وجود داشته باشد؟ آیا آنها دوباره خانه ها و بیمارستان ها و مردم و کوچه و بازار را به گلوله خواهند بست؟ این نگرانی در چشم همه بود. کودکانی که روی تپه آواز می خواندند با شک و تردید غریبه ها را نگاه می کردند! آوازشان را قطع می کردند و می خواستند بدانند ما حامل خبرهای شومی برای آنها هستیم یا پیام آوران شادی. در گوشه ای، مردم جمع شده بودند و کسانی را که جوانان را معتاد کرده بودند، محاکمه می کردند. اکثر ایمن قاچاقچیان و لیمین ها از عناصر وابسته به "مفتی زاده" بودند. مردم به مسافرین می گفتند: خودتان قضاوت کنید ببینید در اینجا چه کسانی هوادار اسلام مفتی زاده ها شده اند و گرداننده بساط او هستند. متهم در جریان وقایع خونین کردستان، تنگ از مفتی زاده گرفته بود و مردم کرد را می گشت. دیز جاهای دیگر نمایشگاههایی برپا کرده بودند که به مردم فحایح امپریالیسم را نشان می داد. در جای دیگر به مردم سواد یاد می دادند. و راه کشت و آبیاری بومی. در همه جا زندگی تیلور داشت. اما آهسته آهسته خبر کشتار "قلاتان" در همه جا پخش شد. دوباره مردم رو به

سنگرها آوردند. خبر تاثر انگیز "قلاتان" برای همه معلوم کرد که جنگ افروزان به آسانی دست از سر خلق کرد بزن خواهند داشت و به عناوین مختلف سعی دارند منطقه را به آتش بکشند. در قهوه خانه ها در معابر عمومی صحبت از این قتل عام بود آنچه برای هر مسافر آزار دهنده بود این بود که به راستی این چه دستهایی است که در زیر پوشش اسلام قاچاقچیان و اوباش را اجیر می کند تا فرزندان راستین کرد را به گلوله بسپارد.

در سیماي مردمی که به پا خاسته بودند تا زندگی را بسازند و برقرار کنند، تصمیم و مقاومت موج می زد. دست های آنان، آماده ساختن قلب آنها، از صلح مالا مال بود. حدود ۱۱ شب به ما خبر دادند زخمی های دهکده "قلاتان" به شیر و خورشید مهاباد منتقل شده اند. به بهانه دیدن برادر یکی از پیشمرگه ها توانستیم در آن وقت شب به بیمارستان برویم. بعد از دیدن چند زخمی که ماهها در بیمارستان بستری بودند

یکی از مجروحان قلاتان را دیدیم. پیروزی بود هفتاد یا هشتاد ساله. دردی عمیق تمامی چشمانش را پر کرده بود. دردی که در چشم تمامی زحمتکشان آن را می توان دید. جنایتکاران با تیر بایش را از زیر زانو قطع کرده بودند. دهقان زجر کشیده و نگاهش امیدوار بود احساس کردیم که باید تا حق طلبانه و این جنایت بی شرمانه را به همه شناسانیم. باید زحمتکشان بزد، قم، تهران، خوزستان

کیلان و تمامی زحمتکشان ایران بدانند که این جنگ، جنگ شیبه و سنی نیست. جنگ کرد و فارس نیست. بلکه گوشه ای چشمگیر از مبارزات خلق بر علیه امپریالیسم است. باید همه زحمتکشان بدانند که کشتار در کردستان برای آن است که نگذارند زحمتکشان قدرت و اراده خود را برای ساختن یک ایران مستقل که کردستان جزئی از آن است به کار گیرند و به ثمر رسانند.

قسمتهائی از اعلامیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه آذربایجان

ترور رفیق کمال کیانفر (دانشجوی پیشکام تبریز)

بیانگر درماندگی و ضعف سرکوبگران در مقابل جنبش رو به رشد زحمتکشان است

خلق قهرمان ایران!  
مردم مبارز تبریز!

عصر روز سه شنبه ۲۳ اردیبهشت ماه ۵۹ هنگامی که رفیق کمال کیانفر دانشجوی پیشکام ( سال اول فنی رشته مکانیک تبریز ) به همراه چند تن از هم زمانش مشغول پخش "خبرنامه کردستان" در مسیر چهار راه متحدین - میدان شهرداری بودند، توسط ماشین سپاه پاسداران تعقیب می شوند.

پاسداران مسلح برای دستگیری رفقا از ماشین پیاده می شوند، عابرین به محض مشاهده این عمل پاسداران به حمایت از رفیق کمال و هم زمانش بر می آیند. مردم رفیق را از چنگ پاسداران مهاجم رها می کنند. رفیق تلاش می کند که خود را از صحنه دور کند ولی پاسداران در حضور عده ای از مردم زحمتکش تبریز به طرف رفیق کمال نشانه روی کرده و او را هدف گلوله قرار می دهند. گلوله به مغز رفیق اصابت می کند. او در واپسین لحظه زندگی اش آخرین نیروی حیاتش را جمع می کند و برای آخرین بار می گوید: " درود بر کارگران رفیق کف خیابان می افتد و خون سرخش خیابان را گلگون می کند مردم به شدت به پاسداران اعتراض می کنند. مردم تلاش می کنند تا او را به بیمارستان برسانند ولی پاسداران با بیرحمی مانع رساندن رفیق به بیمارستان شده و نتیجتاً شهیدی دیگر به شهدای انقلاب ایران افزوده می گردد.

مردم با به شهادت رسیدن رفیق خشمگینانه دست به اعتراض زده و با دادن شعار: " این سند جنایت است - امریکا است "، " ای جلاد تلنگت باد، امریکا مرگت باد "، " ملت قضاوت ایله، آیا بودور آزادلیق؟ " ( مردم قضاوت کنید - آیا این است آزادی؟ ) نفرت خود را از این عمل جنایتکارانه بیان می دارند.

این جنایت آشکار تنها نمونه کوچکی از اعمال ضدانقلابی است که اینک در سراسر میهن ما بر علیه جنبش انقلابی توده ها جریان دارد.

سرکوب جنبش انقلابی توده ها در شرایطی گسترش می یابد که امپریالیسم امریکا با همدستی مزدورانش در ارتش دست به تجاوز آشکار بر علیه جنبش ضد امپریالیستی دمکراتیک مردم مبارز میهن زده است.

این اعمال بیانگر تلاش مذبوحانه کسانی است که از جنبش رو به رشد توده ها به وحشت افتاده اند. ما ضمن محکوم کردن این عمل جنایتکارانه خواهان محاکمه علنی پاسدار قاتل بوده و سپاه پاسداران، شورای انقلاب و شخص ریاست جمهوری را مسئول مستقیم این ترور جنایتکارانه می شناسیم.

ما از تمام نیروهای انقلابی، از جمله هواداران سازمان می خواهیم که با تمام توان خویش و با هر امکانش که در دسترس دارند ماهیت این عمل جنایتکارانه را برای توده ها توضیح دهند.

هواداران سازمان و دیگر انقلابیون صادق در چنین شرایطی که جنبش انقلابی توده ها مورد تهاجم امپریالیسم و عوامل مزدور سرمایه داری قرار گرفته، وظیفه دارند که با تمام توان خویش در جهت سازماندهی مبارزه زحمتکشان فعالیت انقلابی شان را شدت دهند.

ما ایمان داریم که هیچ نیرویی قادر نخواهد بود مانع رشد روزافزون جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان میهن ما گردد.

همگامی با نهضت مقاومت خلق کرد وظیفه مبرم همه نیروهای مبارز و انقلابی ایران است





# گرایشات آنارشیستی و سندیکالیستی "پیکار"

سازمان پیکار عمدتا در محدوده روشنفکران فعالیت می‌کند و سیاست‌هایش نیز عمدتا از روشنفکران متأثر تغذیه می‌شود. این انحراف در بطن خود انحراف دیگری را می‌پرواند و افراط‌هایی را به دنبال دارد که دائما و به سادگی به یکدیگر بدل می‌شوند، به نحوی که اگر در این حد افراط، روشنفکران به دنبال توده‌ها می‌افتند و در مقابل آنها سر فرود می‌آورند و سطح آگاهی آنها را همان سطح آگاهی پیشرو می‌دانند در حد دیگر فرسنگها جلوتر از توده‌ها قرار می‌گیرند و به‌جای آنها و به وکالت تسخیری از طرف آنها دست به اقداماتی جهت حل مسائل و مشکلاتشان می‌زنند و این یعنی آنارشیسم.

می‌نویسد: عین همین وظیفه را هسته در قبال سندیکا هم دارد منتهی با این تفاوت که هسته با توجه به این که یک جمع سیاسی است (۱) فقط در رابطه با شورا می‌تواند حتی در فعالیت‌های آن شرکت هم داشته باشد. در حالی که با توجه به این که سندیکا یک تشکیلات صنفی است، هسته فقط بر کار آن می‌تواند نظارت و کنترل داشته باشد و دیگر لزومی به شرکت آن در فعالیت‌ها و امور سندیکا نیست. با چنین بینشی است که "پیکار"، ارگان سیاسی - تبلیغی سازمان "پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" به دوست‌داران آزادی طبقه کارگر و روشنفکران عرضه می‌شود. با این توضیح که: "ما بعد از این گوشش می‌کنیم که از طریق این نشریه، دیدگاه‌های خود را نسبت به مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و نیروهای وابسته به آنها در رابطه قرار دارد، توضیح دهیم و موضع خود را نسبت به این مسائل در حد توان خود روشن کنیم."

و بدین ترتیب جنبه دیگری از اکتونومیم حاکم بر خود را به نمایش می‌گذارد: دید گروهی و منافع محلی سازمان پیکار با انتشار روزنامه "پیکار" قصد آن را ندارد که وظایف و تعهدات خود را حداقل به عنوان روشنفکر انقلابی ناقل آگاهی پرولتاریائی به انجام رساند. قصد آن را ندارد که تبلیغ و ترویج ایده‌های پرولتاریائی را در دستور کار خود قرار دهد، قصد آن را ندارد که افشای سیاسی کند. او قصد آن دارد که دیدگاه‌های خود را نسبت به مسائل توضیح دهد و موضع خود را نسبت به آنها روشن کند. و این کمال تنگ‌نظری و دید محدود و گروهی حاکم بر این سازمان است. برای پیکار در این مقطع توده‌ها مطرح نیستند. خود او، موضع خودش و دیدگاه‌های خودش مطرح است. باید اذعان نمود که اکتونومیم حاکم بر پیکار اگرچه همواره همراه او و راهنمای عمل او بوده است (۱) اما در مقاطعی گسستگی‌هایی دارد و گاهی اصلاحاتی در مسیر انحرافی‌اش رخ می‌دهد. بعنوان مثال در پیکار شماره ۱۳ آنجا که بحث از قدرت دوگانه و ارگان‌های قدرت توده‌ها می‌شود نشانه‌هایی از تصحیح درک خود را نسبت به شوراها بروز می‌دهد. ولی انحرافات ریشه‌دارتر از آن است که به این سادگی‌ها تصحیح شود. لنین علت "کرایش قهرقاری در بقیه در صفحه ۱۱

اکتونومیم ناب است. همان کارگرزدگی شایع و مسلط بر سازمان پیکار است. این دید سندیکالیستی است و از مفهوم مبارزه سیاسی فرسنگها فاصله دارد. این دید تفاوت بین شورا و سندیکا را نمی‌تواند درک کند. ممکن است فریاد اعتراضی پیکار بلند شود که این مواضع مورد استناد مواضع آن سازمان نبوده است بلکه نظریات یکی از "حوزه‌های" آن سازمان بوده است (داسان "کارگر به پیش" هم از آن جمله داستان‌هایی است که فقط برای فرار از انتقاد اختراع شده است برای ما با توجه به مهارت "پیکار" در معلق زدن و رد مکانیکی نقطه نظرات قبلی خود با انتقاد از خود سطحی داستان "کارگر به پیش" همچنان در ابهام باقی مانده است). ما اعتراضی رفقای پیکاری را درست نمی‌دانیم و نظر خوانندگان را به مقاله "وظیفه کارگران در مقابل مدیریت کارخانه چیست؟" که در پیکار شماره ۳۳ به چاپ رسیده است جلب می‌کنیم.

در چنین شرایطی وظیفه شورا (مراد ما از شورای واقعی (!!!) نه شورای انقلابی لنینیستی، بلکه از نظر وظایف و مضمون همان سندیکای واقعی - سرخ - می‌باشد) یا سندیکای واقعی کارگران چیست؟ وظیفه شورا یا سندیکای واقعی کارگران عبارت است از تشدید نظارت و کنترل خود بر مدیریت کارخانه... از آنجا که شورا یا سندیکای واقعی کارگران، نمایندنده کارگران می‌باشد... آیا باز هم جای بحثی هست؟ شورا یا سندیکای واقعی، به عبارت صریح‌تر شورای سازمان پیکار همان سندیکای واقعی است، همان شکل صرفا کارگری، همان سازمان مبارزه اقتصادی فقط کارگران است و این محصول عدم درک مضمون شورای کارخانه که همانا اعمال قدرت توسط همه کسانی که در کارخانه شاغل هستند و به عبارت دیگر کنترل کارخانه است. به علاوه اکتونومیم حاکم بر سازمان پیکار همراه با سطح بائین‌تئوریک جنبش بطور کلی و سازمان پیکار بطور اخص در مورد تشکیلات توده‌ها و هسته‌های سیاسی یا به عبارت دیگر هسته‌های کمونیستی کارخانه تا بدان حد است که "کارگر به پیش" در شماره ۳ خود (۱۵ فروردین ماه ۵۸) تحت همان عنوان "درس‌هایی از سازماندهی کارگران" و هنگام صحبت از "هسته‌های سیاسی کارگران و وظایف آن" مهمترین وظیفه تشکیلاتی هسته "را" فعالیت در جهت تشکیل شوراها کارگری می‌داند و

دیگر این ایده در سطح جنبش کمونیستی ایران جا افتاده است که "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" در جریان قیام اکتونومیم تمام عیاری را به نمایش گذاشت و در حالی که توده مردم به خیابان‌ها ریخته و به عالی‌ترین شکل مبارزه یعنی مبارزه قهر آمیز و مسلحانه پرداخته بودند، پیکاری‌ها آن چنان شیفته مبارزه اقتصادی توده کارگران شده بودند که حتی فرصت نگرستن به صحنه اصلی مبارزه را از دست داده بودند. آنها قاصدا درک درست سطح و شکل مبارزاتی خلق و نیز از وظایف محوله بر دوش پیشاهنگان طبقه و مفتون اشکال نازل مبارزاتی کارگران (خواست‌های صنفی) شدند.

در چنین اوضاع و احوالی بود که سازمان پیکار یکباره خود را با قیامی شکوهمند روبرو دید. قیامی که علیرغم آنهمه شور و هیجان و اشتیاق مبارزاتی پرولتاریا که پیکاری‌ها را سخت‌گفت‌زده کرده بود، با دستاوردی در خور پرولتاریا به سرحام نرسید.

سازمان پیکار که یکباره از خواب غفلت و خوش مبارزه اقتصادی بزرده بود، خود و پرولتاریا را عقب مانده می‌پند و می‌بیند که فرصت "افزایش حاصل انقلابی دولت از بالا" را از دست داده است و به دنبال طرح شعار شورا از جانب ما و سایرین راه چاره را در "نقار از پایین" و عمدتا از طریق شوراها می‌بیند و با طرح شعار "پیش به سوی سهیم شدن طبقه کارگر در قدرت سیاسی!" به کارگران توصیه می‌کند که "اصلی‌ترین وظیفه کارگران با تمام ضرورت و اهمیت خود" ایجاد شوراها کارگری است. علاوه "اجاد شوراها کارگری... اهمیت اساسی و تعیین کننده‌ای در سرنوشت طبقه کارگر و هم در سرنوشت توده‌های خلق ما دارد." سازمان پیکار در ارائه این رهنمود توجه قابل ستایشی هم بر دو شکل مبارزه اقتصادی و سیاسی در شورا دارد و از بیان این نکته نیز فروگذارد نمی‌کند. اما انحرافی که تمام نار و بود سازمان پیکار را فراگرفته است ریشه‌دارتر از آن است که به این سادگی‌ها تصحیح شود و جای دیگر خود را نشان می‌دهد. در متن همین مقاله که تحت عنوان اصلی "درس‌هایی از سازماندهی کارگران" با نام "پیش به سوی تشکیل شوراها کارگری" در شماره دوم "کارگر به پیش" چاپ شده است آنجا که از نکاتی که باید در انتخاب نمایندگان شورا توجه کرد "صحبت می‌کند کارگر زدگی خود را باز دیگر به عیان بروز می‌دهد و می‌نویسد: "شوراها فقط کارگری است و به هیچ وجه کارگران دیگر نباید در آن شرکت کنند. یعنی حتی حق رای هم ندارند چه رسد به اینکه برای شورا انتخاب شوند. با این تعریف شوراها دارای دو خصوصیت هستند یعنی کارگری و دیگری واقعی بودن آن. که وظیفه‌شان دفاع از منافع و حقوق کارگران و مبارزه در راه رسیدن به خواست‌های سیاسی و اقتصادی کارگران می‌باشد. فقط کارگر است که درد کارگر را می‌فهمد و کارمندان باید برای خود شوراها کارمندی جدا از شورا کارگری تشکیل دهند." و این همان

## پر توان باد جنبش طبقه کارگر پیشناز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

# گرایشات آنارشیستی ...

بقیاض صفحه ۱۰

سوسیال دموکراسی روسیه (اکنونومسم) را چنین توضیح می‌دهد:

"گسترش تبلیغ، سوسیال دموکرات‌ها را با قشر عقب‌مانده و تحتانی پرولتاریا روبرو کرد. برای جلب این قشر لازم می‌آمد که مبلغ خود را به نازلترین سطح شعور وقف دهد. او آموخت که "خواست‌ها و ملاحظات لحظه مشخص را به پیش کشد و ایده‌آل‌های سوسیالیسم و مبارزه سیاسی را عقب راند. طبیعت فعالیت آماتوری و ناقص سوسیال دموکرات‌ها، روابط بسیار ضعیف میان محفل‌های آموزشی در شهرهای مختلف و بین سوسیال دموکرات‌های روسیه و رفقایشان در خارجه که دانش ژرف و تجارب انقلابی غنی‌تر و نیز افق سیاسی وسیع‌تری را دارا بودند طبیعت این جنبه (مطلقاً اساسی) فعالیت سوسیال دموکراتیک را بطرز مبالغه‌آمیزی عمده نمود که به افرادی امکان آن را می‌داد که جوانب دیگر را به فراموشی سپرده ..."

حال اگر توجه کنیم که سازمان پیکار عمدتاً در محدوده روشنفکران فعالیت می‌کند و سیاست‌هایش نیز عمدتاً از روشنفکران آماتور تغذیه می‌شود در می‌یابیم که این انحراف در بطن خود این ساله که "تصرف انقلابی" ساختمان "توسط زحمتکشان گود نشین جنوب شهر برای خود این زحمتکشان گود نشین به چه صورت و تاجه اندازه مطرح بوده است همین بس که برای حفظ ساختمان تداومی از خود نشان ندادند، ثانیاً یکی از گوندشیمان جوان که در تصرف ساختمان نقش داشت، در پاسخ پاسداری که از او پرسید چرا اینجا را گرفتید چنین جواب داد:

"والله آمده بودند و گفته بودند که خانه‌های بالای شهر خالی است، آیا نمی‌خواهید در آنها زندگی کنید؟ اگر می‌خواهید بجنبید و ما هم آمده بودیم. علاوه عدم توجه به سطح واقعی مبارزات

توجهی از گزارشات چاپ شده در این نشریه تحت عنوان "جنبش کارگری" تأکید و حتی تبلیغ پرشور حرکات و اعتراضاتی است که بریستر خواست‌ها و نیازهای طبقه کارگر و نیز اعتراضات و مبارزات آنها توسط عده‌ای محدود از کارگران آگاه و مبارز و بدون انطباق با سطح آگاهی و مبارزاتی توده کارگران ایجاد شده است و عملاً هم در اکثر موارد به شکست انجامیده است. (گزارشات استارلاپت، شادانپور، ایرانا، مینو نازخ و ... ) نمونه جالب را می‌توان در "گزارشی از تصرف انقلابی یک ساختمان ۹ طبقه

● اگر در روزهای قیام، اکنونومسم ناب، پرچم پیکار بود، اکنون آنارشیسم ناب پرچم رزم سازمان پیکار است. آنگاه که توده‌های مردم در کوچ و خیابان‌ها گوکتل مولوتف می‌ساختند او سرگرم چانه‌زنی بر سر اضافه حقوق بود!

در خیابان آزادی توسط زحمتکشان گود نشین جنوب شهر" در پیکار شماره ۴۰ یافت. در مورد این ساله که "تصرف انقلابی" ساختمان "توسط زحمتکشان گود نشین جنوب شهر برای خود این زحمتکشان گود نشین به چه صورت و تاجه اندازه مطرح بوده است همین بس که برای حفظ ساختمان تداومی از خود نشان ندادند، ثانیاً یکی از گوندشیمان جوان که در تصرف ساختمان نقش داشت، در پاسخ پاسداری که از او پرسید چرا اینجا را گرفتید چنین جواب داد:

"والله آمده بودند و گفته بودند که خانه‌های بالای شهر خالی است، آیا نمی‌خواهید در آنها زندگی کنید؟ اگر می‌خواهید بجنبید و ما هم آمده بودیم. علاوه عدم توجه به سطح واقعی مبارزات

● حالا که طبقه کارگر بیش از هر زمان دیگر نیازمند آن است که صفوف پراکنده‌اش را برای وارد آوردن ضربه اساسی به طبقه سرمایه‌دار، متشکل کند و به تدارک بپردازد "پیکار" بی‌تابانه انفجار فشفشه‌های جنجال برانگیزش را شلیک توپخانه پرولتاریا می‌نامد و گودخانه اعلام می‌دارد که "در کارخانه حکومت کارگری برقرار بود ...!"

● پیکار تنها ناتوانی عظیم خود را در درک قانونمندی مبارزه توده‌ها به نمایش می‌گذارد و از گسترش و چگونگی گذار مسالمت‌آمیز مبارزات توده‌ها به مبارزات قهرآمیز چیزی نمی‌داند. و همواره آماده است که قهر پیش رس، عصیانیت روشنفکران را به جای قهر انقلابی و قانونمند توده‌ای بنشانند.

به آنارشیسم و چپ‌روی سازمان پیکار بپردازیم که فعلاً به نظر می‌رسد جنبه غالب انحراف آن باشد:

تصور می‌کنیم خوانندگان نشریه "پیکار" با ما در این مورد اتفاق نظر داشته باشند که عباراتی چون "امروزه تقریباً تمامی کارگران به این حقیقت پی برده‌اند. که سرمایه‌داران با کمک دولت حامی‌شان" (شماره ۲۲) به دفعات و مکرراً به جا بی‌جا در متن این نشریه، کار گذاشته شده است. در پشت چنین عباراتی همان ایده فرسنگ‌ها جلوتر از توده‌ها بودن و ذهنیت خود راهمان ذهنیت‌آنها دانستن قرار دارد. این نقطه نظر به میزان زیادی در اخبار و گزارشات این نشریه منعکس است. به نحوی که میزان قابل

کارگران و اتحاد تاکتیک برپایه آن و ایجاد "تشکیلات کارگری از بالا" از دیگر جنبه‌های بروز و نمود این طرز تفکر است. "طرح تشکیلاتی کارگران پیکار" که در پیکار شماره ۱۳ ارائه شده است به خوبی این شیوه کار را نشان می‌دهد. توجه کنید:

"به دلیل عدم وجود تشکیلات سراسری کارگری، کارگران پیکار کارخانه‌یی، کارگاهی و یا حتی پروژه‌یی، می‌توانند و باید در یک "کانون سراسری کارگران پیکار" گرد آیند. لیکن لازم است که همراه و همزمان با تشکیل کانون سراسری کارگران پیکار، کارگران مناطق مختلف، اقدام برای ایجاد کانون منطقه‌یی خاص خود بنمایند. این "کانون منطقه‌یی

تمام کارگران پیکار آن منطقه را در بر می‌گیرد ... در صورتی که کارگران پروژه‌های، سندیکا و یا اتحادیه خاصی خودشان را نداشتند، می‌توانند از طریق نمایندگان خود در کانون شرکت کرده، از این طریق و با استفاده از کمک‌های کانون به ایجاد سندیکای خود اقدام نمایند.

از این جملات هر خواننده اندک آگاهی متوجه می‌شود که "چون تشکیلات کارگری نداریم" آن را از بالا و در محل مورد نظر خودمان، محل تجمع روشنفکران انقلابی (که در آن زمان "خانه‌کارگر" بود) به وجود بیاوریم. سازمان پیکار با طرح این شیوه ایجاد تشکیلات کارگری این مسئله را نمی‌فهمد که چون "تشکیلات کارگری نداریم" به عنوان روشنفکران انقلابی موظفیم با شرکت در مبارزات روزمره کارگران و با افشاکاری اقتصادی و سیاسی و تبلیغ لزوم و اهمیت سازماندهی و تشکیل سطح آگاهی آنان را ارتقاء دهیم و حرکات و اعتراضات کارگران را در تشکیلاتی مناسب و منطبق با تجربیات کارگران سازمان دهیم و نه اینکه "چون تشکیلات کارگری نداریم" به جای توده کارگران، روشنفکران انقلابی و یا در بهترین حالات کارگران آگاه و مبارز (و نه توده کارگران) را در محلی جمع کنیم و متشکلشان نماییم و بر آن نام "تشکیلات سراسری کارگران" بگذاریم تا بتوانیم با پنهان شدن، در پشت آنها، به جای پرولتاریا و در عوض آنان ذهنیات خودمان را تبلیغ و به توده‌ها تحمیل کنیم.

جالب اینجاست که در شماره ۲۷ (هفده دیماه ۵۸) پیکار تحت عنوان "ماهیت ضد کارگری کنفدراسیون کارگران را بشناسیم" که از نخستین شماره "پیکار پوشش" نشریه گروهی از کارگران کارخانه پوشش نقل شده است، به این نحوه سازماندهی و شکل (ازبالا) جواب می‌دهد (مسئله ناآگاهانه، چون حرکات آگاهانه پیکار خلاف آن را ثابت می‌کند):

"اصولاً کنفدراسیون" (بخوان تشکیلات سراسری - کانون سراسری) باید چگونگی تشکیل شود؟ کارگران باید اول سندیکا تشکیل دهند و سپس از اتحاد این سندیکاها، اتحادیه‌های کارگری به وجود آید و بالاخره کنفدراسیون کارگران را ایجاد کنند ... در جلسه‌یی که مسئولان به اصطلاح کنفدراسیون تشکیل دادند، کارگران سؤال‌هایی کردند که کاملاً ماهیت کنفدراسیون‌چی‌ها را روشن کرد. آنها را رسوا ساخت. یکی از کارگران پرسید چگونه زمانی که هنوز سندیکاهای کارگری ایجاد نشده، شما برای خودتان و بدون اطلاع کارگران دست به ایجاد کنفدراسیون کارگری زده‌اید ... نماینده این کنفدراسیون ضدکارگری جواب داد: چیزهایی که شما

گفته‌اید وقت زیادی می‌گیرد و چند سال طول می‌کشد. ما یک‌باره آمده‌ایم کنفدراسیون کارگری ایران را به وجود آورده‌ایم بعداً می‌توانیم سندیکا و اتحادیه به وجود آوریم!"

در پایان باید اضافه نمود که تداوم حرکات چپ و حتی تشدید این حرکات توسط این سازمان نکته‌یی است که به روشنی می‌توان بر آن انگشت گذاشت. نمونه بارز و برجسته و جدید آن تصویری است که "پیکار" شماره ۴۹ از گروگانگیری کارگران مینو ترسیم کرده است:

"گروگان گیری سرمایه‌دار خصوصی وابسته: بدین ترتیب کارگران یکی از بزرگترین سرمایه‌داران خصوصی وابسته را ..."

بقیه در صفحه ۳

## مردم میهن ما قاطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

۲۲ سال قبل صهیونیستهای اسرائیلی به کمک کشورهای امپریالیستی سرزمین فلسطین را اشغال کردند

## اما سرانجام:

# خلق قهرمان فلسطین است که پیروز خواهد شد

۱۵ ماه ۵۸

سالروز تقسیم فلسطین در سال ۱۹۴۸ میلادی (۱۳۲۷ هجری شمسی) و تشکیل دولت زادپرست اسرائیل در سرزمین فلسطینی هاست. جنگ جهانی اول منجر به قطع تسلط امپراطوری عثمانی بر فلسطین شد اما دولت انگلیس توانست توسط جامعه ملل تحت الحماکتی این سرزمین را برای خود دست آورد امری که تا سال ۱۹۴۸ همچنان برقرار ماند.

در اواخر سال ۱۹۴۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصمیم فلسطین را بدو بخش شرقی و غربی تقسیم نمود. در شرق که متعلق به حواصت صهیونیستها تنظیم شده بود. این سرزمین بطور کلی به دو بخش تقسیم می شد. دولت یهودی راکه نیمی از جمعیت آن عرب و نیم دیگر یهودی بودند. در غرب می گزفت و شامل ۵۶٪ کل مساحت فلسطین میشد. بخش دیگر که شامل ۴۴٪ مساحت آن می شد. مساحت تشکیل دولتی عربی را می داد. سگد این بخش عموماً عرب و شامل کمی بیش از ۱۰٪ یهودی می شد. بر طبق این قطعنامه - اورشلیم نیز مسطقیات بی‌المللی اعلام می شد که مساحت توسط سازمان ملل اداره شود.

در ۱۵ ماه ۱۹۴۸ دولت اسرائیل بر مسای این طرح تشکیل شد. در این فاصله مخالفت اعراب به صورتهای گوناگون و پراکنده بود و منجر به کشته شدن هزاران تن و سیرون رانده شدن بیش از یک میلیون نفر آنها از سرزمین اجدادی شان گردید. آنها تا مدتها چشم به اقدامات دولتهای عرب و سازمان ملل متحد برای احقاق حقوق خود دوخته بودند و زندگی سختی را در اردوگاههایی که بسرعت در کشورهای عرب تدارک دیده شده بود. می گذراندند. سالها با نام آواره و مسئله اشغال میهنشان تحت عنوان مسئله آوارگان در مجامع بین المللی مطرح بودند اما

از اوایل سال ۱۹۶۵ خلق فلسطین که دیگر از شیوههای دیپلماتیک صرف طرفی نیستند و از دولتهای عربی نیز برای گرفتن حق خویش مایوس شده بودند، بپا خاسته و با تشکیل و توسل به مبارزه مسلحانه، قدم در راه جدیدی از مبارزه نهاد. این مبارزه تا کنون توانسته است هویت سیاسی

در اردن در این مورد نمونه است. دیگر اینکه دشمن، یعنی صهیونیسم و دولت اشغالی دارای نزدیکترین پیوند ممکن با دولت ایالات متحده است بطوری که اسرائیل بدون کمک آمریکا نمی تواند روی پای خود بایستد. از طرف دیگر دولت آمریکا نیز

خلق برای آزادی فلسطین در مصاحبه ای بعد از شرح سیاستهای صهیونیستها می گوید: این سیاستهای مستعمراتی نه تنها با منافع طبقه کارگر بلکه همچنین با منافع دهقانان خرده بورژوازی، متخصصین و غیره و حتی بخشهایی

جنبه برقرار باشد. دوم اینکه برنامه مشترک میبایست آنچنان برنامه میهن پرستانه ای باشد که هیچگونه راه گریزی برای بورژوازی در آن وجود نداشته باشد که امکان دهد این طبقه با سازش طرحهای ساخته و پرداخته امپریالیسم، انقلاب را به نابودی بکشاند. سوم آنکه حزب طبقه کارگر مبارزهای اصلی را در داخل جنبه به منظور بسط و تکامل برنامه مشترک به کار بندد. و بالاخره خصوصیت چهارم اعمال اصول دیمکراتیک در روابط بین نیروهای گوناگون موجود در جنبه است.

جنبه خلق برای آزادی فلسطین شرط پیروزی بر دشمن را جنگ دراز مدت توده ای می داند. جنگی که توسط جنبه خلق سازماندهی و رهبری می شود. اما در مورد رهبری حزب طبقه کارگر در جنبه خلق معتقد است که این هدف استراتژیکی است که برای رسیدن به آن باید مبارزه کرد. اما این امر به هیچوجه از اهمیت چنین جنبه ای جتنی قبل از تأمین حزب پیشاهنگ در آن نمی گاهد.

امپریالیسم و صهیونیسم همواره تلاش می کنند تا نیروهای گوناگون مقاومت را از یکدیگر پراکنده سازند. اما نیروهای انقلابی و به ویژه طبقه کارگر موظف است حداکثر تلاش را برای بسیج هرچه بیشتر مردم فلسطین و تأمین بالاترین سطح وحدت ممکن در بین آنان بنماید. حتی در زمانی که هنوز انقلاب به عهده دارد.

خلق فلسطین تا پیروزی نهایی هنوز راه درازی در پیش دارد. اما از هم اکنون نشانه هایی از شکست دشمن به چشم می خورد. اردوگاه امپریالیسم با بحرانهای اقتصادی مواجه است و دولت صهیونیستی اسرائیل هم بعنوان جزئی از این سیستم از عوارض این بحران در امان نیست. اما قابل توجه این است که شدت بحران در اسرائیل به مراتب بیشتر است. تورم در اوایل سال جاری به حدود ۱۰۰٪ رسیده. اعتصابات در کشور افزایش می یابد و ارزش پوند اسرائیلی به سطحی که تاکنون سابقه نداشته است تنزل کرده است.

بقیه در صفحه ۱۴



در فلسطین، هر خانه، اداره، مدرسه و هرکجای نقطه این خاک، سنگری است برای مبارزه. عکس، رزمندگان جوان را در حال آموختن اسلحه نشان می دهد که آتش گلوله های آن قلب محضر امپریالیسم آمریکا را نشانه گرفته است.

از بورژوازی ملی، به ویژه در مناطق اشغالی، تضادی آشنی ناپذیر دارد این است پایه عینی برای اتحاد وسیع طبقاتی اتحادی برای مقابله با دشمن در شکل جنبه متحد ملی که شامل تمامی احزاب و سازمانهای نماینده این طبقات، نیروهای گوناگون ملی و سازمانهای خلقی (اتحادیه های زنان، دانش آموزان، دهقانان و کارگران) می شود.

اما جنبه خلق برای آزادی فلسطین به هیچوجه بر این عقیده نیست که سازمانها و احزاب گوناگون اختلافات خود را در وجود جنبه خلق ندیده بگیرند و مرزهای طبقاتی را مخدوش سازند. جرج حبش چهار خصوصیت را برای این جنبه ضروری می داند:

اول اینکه استقلال ایدئولوژیکی، سیاسی و تشکیلاتی هر سازمان واجمله حزب طبقه کارگر در چارچوب

عمده ترین اهرم اعمال قدرت سیاسی - نظامی و اقتصادی خود را در منطقه در وجود اسرائیل می بیند. بنابراین پیروزی خلق فلسطین ضربه مهلکی بر امپریالیسم آمریکا بطور کلی سیستم امپریالیستی جهانی خواهد بود و بارهم به همین دلیل است که مبارزات فلسطینی باید انتظار مقاومتی طولانی از جانب دشمن را داشته باشند، مقاومتی که سرانجام با نابودی اسرائیل و اختصار امپریالیسم روبرو خواهد شد.

خلق فلسطین در مبارزات طولانی خود و به ویژه در ۱۵ ساله اخیر بیش از پیش به حکم ضرورت پی برده است که پیروزی بر دشمن غدار جز با وحدت کلیه نیروهای خلقی امکان پذیر نیست. نیروهایی که با وجود اختلاف منافع طبقاتی و مواضع سیاسی و ایدئولوژیکی، در مبارزه با دشمن مشترک می توانند و باید متحد شوند. جرج حبش دبیرکل جنبه

و پذیرش جهانی را برای این خلق رزمنده تأمین کند مهمتر اینکه امید آنها را به پیروزی احتساب ناپذیرشان نه بر پایه ای واهی بلکه بر اساس واقعیات موجود و ارزیابی نیروهای خودی و دشمن و نیروهای ذخیره هرکدام افزایش داده است.

مبارزان فلسطینی بر اساس خصایل عام و مشترک با دیگر جنبشهای آزادیبخش از تجارب آنها درسهای زیادی آموخته اند. بسا اینهمه خصوصیات استثنائی مبارزه خلق قهرمان فلسطین را از دیگر جنبشهای رهاشبخش ممتاز می کند. اول اینکه این خلق عمدتاً نه در سرزمین مادری بلکه عموماً در خارج از میهن خود بسر می برند. این امر پیوند بسیار نزدیک و ضروری را میان جنبش فلسطین و نیروهای مترقی کشورهای میزبان ایجاد می کند. بطوری که پیروزی مردم فلسطین با امر انقلاب در این کشورها به هم گره خورده است. کشتار مبارزان

## مرگ بر امپریالیسم جهانی به سر کردگی امپریالیسم آمریکا



بقیماز صفحه ۱۱

### گرایشات آفارشیبستی و...

گروگان گرفتند... این بزرگترین مبارزه کارگران کارخانه مینو در طی بیست سال عمر کارخانه بود... چهارشنبه ۱ اسفند ۵۸ خبر رسیده بود که چند تن از عوامل کارفرما شروع به توطئه نموده و می خواهند کارمندان را به اعتصاب وادار کنند و جریان مثل جریان خرمدره درست کنند. بلافاصله از طرف دفتر هماهنگی حکم بازداشت آنها صادر شد... در این روز انتظامات منظم تر و عالی تر از روزهای قبل بود. از طرف خود کارگران افسر گشتیک تعیین شد. و به نوبت هر ۶ ساعت به ۶ ساعت پستها تعویض می شد. در ضمن از طرف دفتر هماهنگی اسم شب تعیین شد و اسم به کارگرانی که در شب گشت می دادند یاد داده شد تا افراد غریبه و غیر محسوس شناسائی گردند. همچنین در پستهای حساس مثل پمپ بنزین، موتورخانه، افراد بیشتر و هوشیارتری به نگهبانی گماشته شدند. تمام پستها و تابلوهای برق کاملا محافظت می شد... در کارخانه حکومت کارگری برقرار بود... یکشنبه ۱۲/۵ کارگران آن روز چوب و لاستیک آماده کرده بودند تا در مقابل گاز اشک آور و نبرد تن به تن آماده باشند. آنروز کارگران بنزین، شیشه و روغن آماده کرده بودند، آنروز کارگران کوکتل مولوتف درست کرده بودند تا در صورت حمله مقابله کنند! آنروز سطح بالای مبارزات کارگران ایران که بطور خودبخودی دست به مقاومت مسلحانه می زنند به نمایش گذاشته شد.

(تاکیدات از خودنشریه بیکار است) به این می گویند تبلیغ سوسیال دموکراسی ناب! گوئی "بیکار" می خواهد تلافی عدم حضورش در قیام را در آورد. اگر در روزهای قیام آنکونیم ناب، پرچم بیکار بود اکنون آنارشیزم ناب پرچم رزم سازمان بیکار است! آنگاه که توده های مردم در کوچه و خیابانها کوکتل مولوتف می ساختند او سرگرم چانه زنی بر سر اضافه حقوق بود و حالا که طبقه کارگر بیش از هر زمان دیگر نیازمند آن است که صفوف پراکنده اش را برای وارد آوردن ضربه اساسی به طبقه سرمایه دار متشکل کند و به تدارک بپردازد "بیکار" بی تابانه انفجار فشفشه های جنجال برانگیزش را شلیک توپخانه پرولتاریا می نامد و کودکانه اعلام می دارد که "در کارخانه حکومت کارگری برقرار بود...!" "بیکار" تنها ناتوانی عظیم خود را درک قانونمند مبارزه توده ها به نمایش می گذارد و از گسترش و چگونگی گذار سلامت آمیز مبارزات توده ها به مبارزات قهرآمیز چیزی نمی داند و همواره آماده است که قهر پیشرو و عصیبت روشنفکران را به جای قهر انقلابی و قانونمند توده ای بنشاند. مواضع "بیکار" در جریان تهاجم به دانشگاهها گواه دیگری بر این حقیقت است. "بیکار" تنها ماجراجویی انقلابی روشنفکران خرده بورژوا و آفارشیبستی را که بدان مبتلا است با روشنی به نمایش می گذارد و آن را اثبات می کند.

صفحات ۵ و ۶ "کارگر به پیش" شماره ۲

## نوطئه اخراج کارگران و ضرورت اتحاد کارگران رسمی و پیمانی در مقابل آن

کارگران پیمانی در چنین شرایطی موفق شدند با طرح خواستهایی از قبیل:

- ۱- استخدام رسمی
  - ۲- سود ویژه
  - ۳- عیدی
  - ۴- پرداخت حقوق روزهای تعطیلی
- و... به برخی از این خواستها برسند. کارگران به کار بازگشتند و جو عمومی اعتراضات فرو گش کرد. مدیرعامل توانست (با اتکای قانون کار) طرح نوطئه جدیدی را بریزد. او شروع به اخراج کارگران پیمانی نموده و روزانه ۲۰ تن از آنان را اخراج می نمود.

پس از چندروز بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران را اخراج می کنند. از اواشسل اردیبهشت سال قبل، حدود ۳۰۰ کارگر پیمانی مشغول به کار شدند. مدیرعامل کارخانه (ایرانطلب) با اطلاق موقت و روزمزد بودن (پیمانی بودن) می خواست از یکطرف هروقت که اراده کرد بتواند کارگران را اخراج کند و از طرفی حقوق و مزایای کارگران رسمی را به آنان نپردازد. او زیر چتر حمایتی قانون کار ضد کارگری و به ویژه ماده ۳۳ این اقدامات ضد کارگری را انجام می داد. کارگران پیمانی به واسطه پایگاه روستائیان و به ویژه موقتی بودنشان، نتوانستند به اتحاد و تشکیلی پایدار (در برابر این اجابفات کارفرما و قانون کار) دست یابند و کارفرما نیز متقابلا با اخراجهای پیاپی به این عدم تشکیلی کارگران دامن می زد تا اینکه در اسفند ماه گذشته به دنبال اعتراضات کارگران رسمی به نحوه پرداخت سود و عیدی و... زمینه مناسبی فراهم شد تا کارگران پیمانی هم بتوانند بطور یکپارچه حرکت کرده و از میان خود ۵ تن را به نمایندگی برگزینند

تبعیض آمیز) به منظور مقاومت در برابر اخراج بخشی از کارگران.

- ۲- برخورد کلی و اصولی با آن که در چارچوب تقویت این تشکیلی و هماهنگی آگاهانه با دیگر تشکیلات کارگری هزینه زندگی و گرانی و کمبایی کالاهای مورد نیاز عامه مردم، دورنمای تیره ای را در زندگی توده کارگران بیکار ترسیم می نماید. اخراج کارگران پیمانی عمدتا ناشی از دو مسئله است:

- ۱- توطئه طبقه سرمایه دار و عواملش در کار تولید و اداره کارخانه ها، با بهره برداری از قوانین ضد کارگری موجود (که میراث دوره آریامهری است)
- ۲- ضعف تشکیلی و آگاهی کارگران (به ویژه کارگران موقت) در امر مبارزه با سرمایه داران و قوانین ضد کارگری حامی آنها. حاکمیت قوانین ضد کارگری موجود و به ویژه قانون کار مشخص دست کارفرما را باز می گذارد تا با اتکالی به آن بتواند کارگران را به آسانی اخراج نماید. این "حقی" که قانون کار و دولت به سرمایه دار می دهند به نحو موثری دامنه اخراج کارگران را گسترش می دهد و کارگران را گروه گروه به صفوف میلیونی بیکاران می افزاید. با توجه به این مسئله، چگونگی برخورد کارگران نیز در مقابل اخراج می تواند عمدتا دو جنبه داشته باشد:

- ۱- مبارزه کارگران پیمانی و موقت در قدم اول باید تلاش در جهت هماهنگی و اتحاد عمل یکپارچه با کارگران رسمی در درون کارخانه ها و کارگاهها باشد. این امر یعنی توسل به اقدامات اعتراضی یکپارچه و هماهنگ علیه فشار سرمایه دار و قانون کار) و دیگر قوانین تفرقه افکن و

## گسترده باد همگامی و همکاری همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می کنند





### ۲۶ اردیبهشت

**سنندج** جمعه  
ارتش و سپاه پاسداران وارد شهر شده‌اند. پیشمرگان کرد از شهر خارج شده و پیرامون شهر مستقر شده‌اند. شهر سنندج چهره دیگری به خود گرفته است. اهالی شهر در دستگیری سرودخوانان دست به تظاهرات علیه سرکوبگران می‌زنند. در تاریخ ۲۴ اردیبهشت یک ستون ارتش که در تپه "شب بو" مستقر شده بود مورد حمله پیشمرگان قرار گرفت. حتما در حدود ۶۰۰ فروند تانک در شهر و راههای ورودی آن مستقر شده‌اند. باوجود این نظامیان و پاسداران کمتر جرات می‌کنند وارد شهر شوند. آب و برق و تلفن در شهر قطع است. مازها تعطیل هستند و مردم شهر به اشکال مختلف مخالفت خود را نسبت به وجود ارتش و پاسداران در شهر نشان می‌دهند. گروههای جوان و نوجوانی که دستههای سرودخوان تشکیل داده‌اند و در کوچهای شهر سرود "مغربی را فریاد می‌زنند توسط نظامیان و پاسداران دستگیر و مورد آزار قرار می‌گیرند اما سرود جوانان در کوچهای سنندج همچنان طنین افکن است.

### کوماندا

فرمانده لشکر ۸۱ زرهی کوماندا به علت امتناع از رفتن به کردستان از کار برکنار شده است.

### پیرانشهر

در اثر نجات مین در راه دو آب بین نرده و پیرانشهر ۴ نفر زخمی و دو نفر کشته شدند. این ستون نظامی قصد داشت در بالای کوه مستقر شود.

### ۲۷ اردیبهشت

### سنندج

ارتش و پاسداران که در سنندج مستقر شده‌اند تلاش می‌کنند نمای ظاهری شهر را عوض کنند. آنها شمارهایی به طرفداری از خود روی دیوارها می‌نویسند. پوستری می‌چسباند و سلاحها و تانکهایشان را برای ایجاد رعب در سطح شهر به نمایش درآوردند. هیچکدام از این اقدامات کوچکترین تأثیری روی روحیه مردم سنندج ندارد. هیچکدام از این اقدامات کوچکترین تأثیری روی روحیه مردم سنندج ندارد. هیچکدام از این اقدامات کوچکترین تأثیری روی روحیه مردم سنندج ندارد.

## چه کسانی به جای صلح، جنگ...

افراد و تفتیش خانها پایان نباید دست از تعطیل نمازهای خود برونخواهند داشت. دو دختر رزمنده اعدام شده‌اند و تعداد جوانان اعدام شده تاکنون به حدود ۱۲ نفر رسیده است. عدهای از بزرگان و پرستاران متعدد شهر که به کمک پیشمرگان شتافته بودند دستگیر شده‌اند. پاسداران کودکان هفت - هشت ساله را به صف کرده به آنها کبوت و جنگ شیرینی می‌دهند و به این وسیله از آنها می‌خواهند که جای پیشمرگاری را به آنها نشان دهند. اما این کودکان در روزهای حماسه آفرین پدران، برادران، مادران و خواهران خود، سکوت و رازداری را در کتیب مبارزه آموخته‌اند. آنها به پاسداران پشت می‌کنند و به بازی کودکانه خود ادامه می‌دهند. شبها با وجود حکومت نظامی تیراندازی در شهر به شدت صورت می‌گیرد. بیشتر درگیریها به خارج از شهر منتقل شده است و از فرودگاه سنندج تا نزدیک گاماران حدود "توانکش" جاده‌ها در اختیار پیشمرگان است. در جاده‌های دیگر که توسط ارتش و پاسداران کنترل می‌شوند دستگیری اهالی شهر ادامه دارد. در طی سه روز اخیر مردم سنندج تظاهرات بزرگی در محلات مختلف شهر به راه برداشتند. آنها طی شارهائی اعتراض خود را به ورود ارتش به شهر نشان دادند. حکومت نظامی را محکوم و از پیشمرگان شهید تجلیل به عمل آوردند. به این ترتیب مقاومت و مبارزه مردم در اشکال سیاسی خود در شهر جریان دارد. خیلی از مردم حتی از پذیرفتن مواد غذایی کمی امتناع می‌کنند. پیروزی در محله قطارچیان ضمن خودداری از گرفتن مواد غذایی، شتی خاک از زمین برداشته و می‌خورد. پیروز دلاور با صدای بلند می‌گوید:

**بانه**  
دو فروند فانوم شهر بانه را به وسیله راکت مورد حمله قرار دادند. پادگان همچنان بین پیشمرگان و نظامیان تقسیم شده و جنگ سکنه در ستر در داخل پادگان بانه جریان دارد. تپ زرهی که قصد دارد برای جلوگیری از سقوط پادگان بانه عازم این شهر شود، هنوز به مقصد نرسیده است.

**سیراز**  
شهر همچنان به وسیله توپ و خمپاره و کالیبر ۵۵ کوبیده می‌شود. پاسداران نمی‌توانند از مواضع خود که یک ماه قبل در آن مستقر شده‌اند، به جلو پیشروی نمایند به همین جهت تنها با خمپاره و گلوله باران شهر را کتفا می‌کنند. در اثر اصابت گلوله خمپاره شرکت انوبورسائی اطمینان در ستر آتش گرفته و ماشینهای داخل آن سوخته است. در اثر تیراندازیهای اخیر دو کودک چهارساله و شش ساله به نامهای محمدسلیمی و رحمان سلیمی و یک پیرمرد زخمی شده‌اند.

**خوی**  
پرسنل پادگان خوی در اعتراض به جنگ تحمیلی کردستان و برای خودداری از رفتن به این منطقه متحمن شده‌اند.

**سیراز**  
در سیراز نیز پرسنل پادگان متحمن شده‌اند. از قرار معلوم عدهای از پرسنل این پادگان نیز در آغاه به اعدام و زندان محکوم شده‌اند که پرونده آنها به مرکز ارسال شده است.

**جلدیان**  
دیروز در درگیریهای در پادگان جلدیان در گرفت که عدهای از زاندارهای محل کشته شدند و پادگان پیرانشهر به حالت آماده باش درآمده است.

**۲۸ اردیبهشت**  
**سنندج** یکشنبه  
در اطراف سنندج جنگ هنوز ادامه دارد، در طول شب نیز درگیریها در شهر شدت می‌یابد. مردم شهر به ویژه زنان از تفتیش خانها به وسیله پاسداران جلوگیری می‌کنند.

**بوکان**  
ساعت ۱۱ صبح ۲ فروند هلی کوپتر بر فراز جاده بوکان - مایندوآب در روستای "طلاله" به پرواز درآمده و با مسلسل‌های کالیبر ۷۵ این



خلق مبارز گرد، در کنار سایر خلقهای دلاور ایران برای صلحی عادلانه و ایرانی آزاد و دیمکراتیک مبارزه می‌کنند تا لحظه‌های عشق و صلح و آزادی را به ارمغان آورند.

### جنوب تهران

**ساکنین قریه اسفندیاری را می‌خواهند از خانه هایشان بیرون کنند**

"ارباب می‌خواهد با پخش مطالب دروغین بین ما و اهالی زحمتکش منطقه تفرقه بیندازد".  
روستائیان مبارز قریه "اسفندیاری" واقع در جنوب تهران سالهاست که با ظلم و ستم فئودالها مبارزه می‌کنند طی سالهای اخیر اکثریت زمین‌های این منطقه توسط اربابها به تدریج قطعه قطعه شده و به عنوان زمین مسکونی به فروش رسیده است. فئودالها که به این ترتیب می‌خواهند روستائیان را از زمین هایشان بیرون کنند. اخیرا دست به حمله جدیدی زدند و با انتشار مطالبی سراسر در روستاها و محلات روستائیان محالبت ایجاد یارک برای صاحبان خانه‌های مسکونی هستند و با عدهای از خارج منطقه اقدام به تصرف زمین‌ها را کردند. سنی در تفرقه افکنی بین زحمتکشان روستا ساکنین منطقه دارند. آنها به این ترتیب می‌خواهند جلوی گسترش مبارزات روستائیان برای مسامحه زمین‌های خود را بگیرند. کشاورزان مبارز "قریه" درحالی که با هوشیاری با این اعمال تفرقه افکنانه زمینداران بزرگ مبارزه می‌کنند و همچنان مصممند که زمین‌های خود را مسامحه نکنند اعتراض خود را به مطالبی که در مورد مبارزات آنها در بعضی از مطبوعات، به دروغ منعکس شده است، اعلام داشته‌اند.

**توضیح**  
در "کار" ویژه کردستان شماره ۳ خبری نقل شده بود تحت نام "اعدام دو خلبان درامقن" در تاریخ ۹ اردیبهشت چنین اعدامی صورت نگرفت است و بدینوسیله خبر تصحیح می‌شود.

**مبارزات روستائیان**  
زحمتکش منطقه خرقان ساوه (روستای ویدر)

زحمتکشان روستای "ویدر" هاندن اکثر روستائیان مهربان - سالهاست که با زورگویی و ستم زمین داران و سرمایه داران بزرگ روبرو هستند. تمام تاراجیها و کمبودهایی که در گذشته وجود داشت و روستائیان به خاطر از بین بردن آنها علیه رژیم سابق به مبارزه پرداختند، امروز هم بر دوش اهالی این روستا سنگینی می‌کند. مبارزه مردم ویدر علیه زمین داران بزرگ و سرمایه داران در سال ۵۶ - ۵۵ دامنه بسیار گسترده‌ای پیدا کرد. آنها به کتک جوانان آگاه روستا، در برابر تجاوزات "ایرج خان سفاح میرحسینی" که زمینهای زراعی هفتان را غصب می‌کرد، به مقاومت متحد و یکجاریه دست زدند و علیه حمله سرکوبگرانه زاندارمی و پلیس آریامهری درماده ایستادند و سرانجام زمین‌های غصب شده‌شان را با آزادهای انقلابی پس گرفتند پس از قیام همراه با اوج‌گیری مبارزه زحمتکشان روستا در برابر سران ایران، اهالی "ویدر" نیز به حرکت انقلابی خود اوج تازه‌ای بخشیدند. آنها مدتی روستا را که در تصرف سرمایه داری تمام بورژوازی بود، به نفع خود مسامحه و مورد بهره برداری قرار دادند. سرمایه دار مزبور که از عوامل رژیم سابق است و امروز زیر فشار اسلام خرید و جا نماز آب می‌کشد، با مراجعه به کتیب مرکزی انقلاب اسلامی، نامهای به امضای آقای کتی دریافت می‌کند با این مضمون که اهالی روستا نمی‌بایست مزاحم کار وی شوند. او را با استفاده از این نامه و به نام پاسداران مردم را تهدید می‌کند که در صورت ادامه تصرف معدن آنها را به اتهام خرنکاری به دادگاه انقلاب اسلامی معرفی خواهد کرد.

## هر چه بیشتر همه شادای خلق کوره



دوره یادگاری  
و دوربرد دشمنان مرده تسلیم نابود می‌شوند

گرامی باد خاطره رفقای شهید اردیبهشت ماه

هرماه برای سازمان ما، ماه شهادت، ماه مقاومت و ماه یادگاری در راه رهایی خلق است. خاطره رفقای که در سالیان ستم و دیگتازی، دلاوران بپاخواستند و با نثار خون خود آرمان وفاداری و ایثار در راه خلق را آموزش دادند، بدون تردید همیشه ماندنی است. خاطره شهدای اردیبهشت ماه را گرامی می‌داریم اسامی رفقای که در اردیبهشت ماه به شهادت رسیده‌اند:

- علی اکبر جعفری
- مریم پنجه شاهی
- فرزاد دادگر
- کاظم سعادت
- محمدرضا قنبر پور
- عزت غروی
- هادی فرجاد
- جهانگیر باقری پور
- فریده غروی
- حسین فاطمی
- ارزنگ شایگان
- میترا بلبل صفت
- شبرین فضیلت کلام
- ناصر شایگان
- فرهاد صدیقی پاشایی
- لادن آل آقا
- محمود نمازی
- مهدی حاتم
- احمدرضا قنبر پور
- زهرا مددیر شانه‌چی
- بهروز دهقانی
- بهروز اسکوئی
- بهروز ارهغانی
- اسماعیل عابدی
- خلیل سلماسی نژاد
- قربان علی زرکاری
- لادن آل آقا
- احمدرضا قنبر پور
- زهرا مددیر شانه‌چی

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

به کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام

به مناسبت:  
نودمین زادروز رفیق هوشی مین  
پنجاهمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ویتنام  
سی و پنجمین سالگرد تأسیس جمهوری دموکراتیک ویتنام  
و پنجمین سالگرد پیروزی کامل انقلاب در جنوب

رفقا، سلام‌های گرم ما را به مناسبت فرا رسیدن سالگرد این روزهای تاریخی که نقاطی درخشان در تاریخ مبارزات حماسی خلق برادر ویتنام علیه امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا و در جهت رسیدن به صلح، دموکراسی و سوسیالیسم می‌باشد بپذیرید.

حزب کمونیست ویتنام به رهبری رفیق هوشی مین با درک عمیق مارکسیسم - لنینیسم و انطباق آن بر شرایط ویتنام و مبارزه با انحرافات گوناگون در جنبش کمونیستی ویتنام و جهان، توانست انقلاب ویتنام را به پیروزی کامل رسانیده، کشور را متحد ساخته، گام‌های عظیمی در راه ساختمان سوسیالیسم، دفاع از میهن سوسیالیستی و اجرای وظایف انترناسیونالیستی خویش بردارد.

خلق قهرمان ویتنام امسال در شرایطی سالگرد این روزهای تاریخی را جشن می‌گیرد که در کشور خود گام‌های عظیمی در جهت پیشرفت اجتماعی، برقراری صلح، دموکراسی و ساختمان سوسیالیسم به جلو برداشته است. جمهوری سوسیالیستی ویتنام تحت رهبری حزب پراختار کمونیست با برافراشتن پرچم انترناسیونالیسم پروлетری، سهم عظیم خود را در پیشبرد انقلاب جهانی ایفا نموده است و مورد مباحثات کمونیست‌های سراسر جهان می‌باشد. طبقه کارگر و خلق‌های سراسر جهان و منجمله ایران همواره از مبارزه قهرمانانه طبقه کارگر و مردم ویتنام در مبارزه انقلابی خود الهام گرفته و درس‌های آن را در مبارزات خود به کار بستند.

رفقای ویتنامی!  
مردم ما اینک از هر سو با تجاوزات و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و دوستان و جاسوسان آن روبرو است ما به پیروزی مردم خود بر امپریالیسم آمریکا و دوستان و جاسوسان آن ایمان داریم. شما بدون تردید خروش مردم ما را که در عین حال صدای همبستگی آنان با خلق قهرمان ویتنام است شنیده‌اید. ما یک بار دیگر با خرسندی این پیام را برای شما بازگو می‌کنیم: "امریکا تو خالیست، ویتنام گواهیست"

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ضمن ابراز همبستگی انترناسیونالیستی خود با جمهوری سوسیالیستی ویتنام موفقیت‌های بیشتری را برای خلق قهرمان ویتنام و حزب شما آرزو می‌نماید.

۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۹ - نودمین زادروز رفیق هوشی مین  
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

اعدام یوسنل انقلابی ارتش به جرم این اعتقاد که:

"باید بدانند ماشه را به خاطر چه و به سوی چه کسانی ... بقیه صفحه ۱"

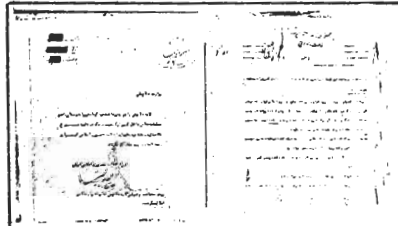
کرده‌اند. فرار یوسنل از انقلابی ارتش از نقاط مختلف کردستان و خودداری آنان از شرکت در جنگ برادر کشی کردستان هرروز دامنه وسیعتری می‌گیرد. مبارزات یوسنل انقلابی ارتش، ادامه مبارزاتی است که بر محور استقرار شوراهای سربازان، درجه‌داران، همافران و افسران جز' به منظور ایجاد یک ارتش مردمی و دارای پیوندهای استوار با زحمتکشان صورت می‌گیرد.

نظامیان سرکوبگر در کردستان فاجعه می‌آفرینند

و بر مبنای ۹ واحد ضرب حقوقی از شورای انقلاب! جایزه می‌گیرند!!

شورای انقلاب در تعقیب برنامه همه‌جانبه برای سرکوب خلق کرد از آغاز تهاجم به کردستان در فروردین ۵۸ با برداشت ۹ واحد ضرب حقوقی به نظامی‌گری در کشتار هم میهنان کرد ما شرکت می‌کنند. به استخدام مزدور برداشته است. این عاملین کشتار خلق، در واقع چیزی نیست جز بخش

از حاصل دسترنج کارگران دهقانان و دیگر زحمتکشان ایران اعم از کرد، ترک، ترکمن، بلوچ، عرب و فارس که بدینگونه توسط شورای انقلاب برای کشتار خود آنان می‌دارند.



بسمه تعالی  
شورای انقلاب  
جمهوری اسلامی ایران

وزارت دفاع ملی  
لايه قانوني راجع به پرداخت فوق‌العاده پرسنلی که در عملیات نظامی داخل کشور شرکت می‌نمایند که در جلسه مورخ ۵۸/۸/۲۹ به تصویب شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران رسیده است به پیوست ابلاغ می‌گردد.  
شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران  
امضاء: محمدحسین بهشتی  
۵۸/۹/۱۲

من سند:  
جمهوری اسلامی ایران  
وزارت دفاع ملی  
لايه قانوني پرداخت فوق‌العاده روزانه پرسنلی که در عملیات نظامی داخل کشور شرکت می‌نمایند:  
ماده واحده  
به هر یک از (افسران، درجه‌داران و همافران - رزهای صلح جمهوری اسلامی ایران) اعم از کادر ثابت و وظیفه) که در عملیات نظامی داخل کشور شرکت می‌نمایند علاوه بر فوق‌العاده روزانه که به موجب مقررات مربوط به آنان تعلق می‌گیرد، برای هر روز شرکت در عملیات بر مبنای ۹ واحد ضرب حقوقی به‌عنوان فوق‌العاده مأموریت عملیات نظامی پرداخت می‌گردد.  
تصریح ۱- فوق‌العاده مأموریت عملیات نظامی سراسر وظیفه شرکت کننده در عملیات سندج در این قانون روزانه بر مبنای ۱ ضرب حقوقی خواهد بود.  
تصریح ۲- از فوق‌العاده مأموران مشمول این قانون باغذ و محل سکونت وجهی کسر نخواهد شد.  
تصریح ۳- مقررات این قانون از تاریخ ۵۸/۱/۱۱ قابل اجرا می‌باشد.  
تصریح ۴- نوع و مدت عملیات نظامی را ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌نماید.  
(خوانانست) شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران مورخه ۵۸/۸/۲۹  
امضاء: قطب‌زاده جمران

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر